



امیراطوری قماربازها
درباره ثروت سیاه خانم کوسن صفحه ۰۸

سرنوشت متفاوت دو برادر

یک دوسیه خواندنی در مورد «تندر ۹۰» و «رنو ساندرو»؛ دو محصول فرانسوی که یکی در کشورمان موفق ظاهر شد و دیگری نه صفحه ۰۵ را بخوانید



وینزه آخر هفته

هوار از من بگیر، گجت رانه!

وسایلی که خریدشان هیچ تاثیری در زندگی ندارد، اما خرج زیادی روی دست ما می گذارد

- ویتترین را درست کنید بقیه اش حل می شود/ در انتقاد از سخنگوی دولت و باشگاه استقلال و اتباع خارجی و روایت تلویزیون / رویای اهالی پرشور کافه فیروز / قصه های گمشده - باورقی روزهای فرد
- در امپراطوری ملکه قمار / درباره دنیس کوسن، ثروتمندترین زن بریتانیا چه می دانیم؟ • حدس می زنم خائن است، او را می کشم / مشکوک شدن به از تباطات نامشروع همسر، یکی از انگیزه های قوی برای ارتکاب بسیاری از جنایت ها است • این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

H A F T E S

مشخصات

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی ایران
پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۳
صفحه ۱۶
شماره ۳۸۷۹
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

دیکشنری نسل جدید

همه کلمات و اصطلاحاتی که دهه هشتادی ها و دهه نودی ها از آن استفاده می کنند

در بسته آخر هفته بخوانید:

غم میون ستون فقرات و دیسک کمرم لونه کرده

شوخی ها و طنزهای شبکه های مجازی هفته

ماجرای خوردن انگور باغ

روایتی دست اول از مناسبات امنیتی و شخصی در دیدار با حسن نصرالله رهبر فقید حزب الله

غذای رادیکال شوfer تریلی

یادداشت هایی از ابراهیم افشار، احد بابایی منیر، مهدی افخمی، حمید رستمی و رضا فراهانی



هزار راه نرفته رئیس جمهور

کنکور، لایحه حجاب، فیلترینگ و اف ای تی اف. پزشکیان در این چهار سوژه ملتهب چه راهی را انتخاب کرده است؟ تغییر در کدامیک آسان تر و در کدامیک دور از دسترس است؟

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

وظیفه امروز ما

ما به ساعت صفر رسیدیم و مقابله جدی با خونخواری های رژیم دژخیم صهیونیستی وارد مرحله جدیدی شده است. حالا مردم عادی ضمن خوشحالی از عملیات موفق نیروهای مسلح ایران در سرزمین های اشغالی، به فردای ایران می اندیشند. به فردای خودشان، خانواده شان و حتی دارایی هایشان. امروز و پس از شادی از این حمله، وظیفه گروه های مرجع جامعه و یک یک افراد صاحب روایت، آرامش بخشی به مردم است. این روزها هر حرکت تفرقه انگیز خطرناک است. مردم باید متحد باشند و امنیت روانی شان مهم ترین دارایی ایشان است. هیچ کس چه موافق و چه مخالف حق ندارد با طرح موضوعات تفرقه انگیز، یا اظهار مسائل حساسیت زا افسار روانی را ببشتر کند. جنگ امروز مانند دوران دفاع مقدس نیست که جبهه ها درگیر عملیات باشند، شهرها در مواقع حملات موشکی آماده گی داشته باشند و مردم زندگی عادی خود را اسپری کنند. دفاع هشت ساله ما، برای مردم بخشی از زندگی بود و ما می توانستیم در عین نبرد، جامعه را در زیست عادی شان همراهی کنیم. جنگ امروز با دشمنی که به هیچ معاهده ای پایبند نیست، ترکیبی خواهد بود و یکی از مهمترین اضلاع این ترکیب قطعاً جنگ روانی است. از طرفی عوامل جاسوسی، استفاده از تکنولوژی های نامتعارف و نزاع نامتوازن شرایط را احساس تر خواهد کرد. در کنار این ها برهم زدن گان آرامش که دل در گرو شکست امر ملی دارند، در این روزها خطوط مختلفی را برای تضعیف روحیه عمومی پیش خواهند گرفت. شکل رسانه و مخابره اخبار جنگ با دوران دفاع مقدس متفاوت است. در گذشته ما با تریبون های رسمی، یعنی تلویزیون و مطبوعات مواجه بودیم و اساساً امکان روایت های روانی مضرب ممکن نبود. اما در جهان جدید، شبکه های اجتماعی دیگر حاوی یک روایت کلان و مطلق نیستند. هر فرد به مثابه یک راوی، به بیان نظراتش می پردازد. عصر پیامدردن که پیامدش تکثر در شبکه است، خرده موج های متکثر روایت را تولید می کند و ترندهای پی در پی خلق می شود. تکثر روایت امروز در برابر روایت کلان گذشته، مانند پیوستگی موج هایی است که آرام آرام بر روان جامعه تاثیر می گذارد و سرمایه اجتماعی را تحلیل می برد. امروز هر کدام از ما وظیفه داریم تا بخشی از امواج ضد اجتماعی نشویم. آرامش خود و اطرافیانمان را تحت هر شرایطی مهمترین دارایی خود بدانیم و وحدت را مهم ترین عامل پیروزی بدانیم. شرایط جنگی، شرایط سیاسی نیست که خوشمزگی های سیاست زده را تحمل کند، بحث های غیر مفید اردوگامی و قبیله ای در آن مسموم باشند و کسانی بخواهند امر ملی را به امور غیر ارزشمند جناحی تقلیل دهند. همه ما باید هشیار باشیم. دیگر دعوا بر سر موافقت یا مخالفت با دولت و غیره نیست. نبرد برای ایران است و همه مردم با هر سلیقه و مرامی باید به امر ملی پایبند باشند. پیروزی با ملت ایران است.

نگین باقری | واکنش های جامعه در همین دو ماهی که از ریاست جمهوری مسعود پزشکیان می گذرد نشان داده که رئیس دولت چهاردهم مقابل خود چهار میدان اصلی برای بازنگری و تغییر به نفع گفتمان خود دارد. عکس العمل مردم در این مدت سرنخ های متفاوتی برای تشخیص این چهار مدار به دست دولت داده. پزشکیان با چهار پروژه اصلی دست به گریبان است که بعضی از آنها برنامه های خودش بوده و بعضی هم انتظارات دیگران از دولت جدید است. از این پرنگ ترین آزمون هایی که دولت در آن محک زده خواهد شد، تصویب و پیوستن به اف ای تی اف و تغییر کنکور بیشتر از همه قابل دسترس بوده اما به نظر می رسد که دورترین میدان برای رسیدن به آن رفع فیلترینگ باشد. یعنی همان مداری که روز گذشته اظهارات رئیس جمهور درباره آن بر سر و صدا شد و حتی گروهی را دلسرد کرد.

۱ | بازنگری در لایحه حجاب: «قرار نبود بر خورد کنند، پیگیری می کنیم که اذیت نکنند.» این حرف مسعود پزشکیان در واکنش به گشت ارشاد بود که در اولین نشست خبری به زبان آورد. انداختن چند ترک روی لایحه ای که سال ۱۴۰۲ مجلس تصویب کرد، برای دولت یکی از همین محورهای تعیین کننده است. این مدت به جز همین اظهار نظر پزشکیان که «صحت می کنیم که اذیت نکنند» چهار اتفاق جدید دیگر از سمت حاکمیت در زمینه حجاب رخ داده که از سمت قوه قضائیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلح نظام و دولت مسیرهای نسبتاً متفاوتی را گشوده است:

اخیراً یکی از قضات قوه قضائیه حکم راهگشایی برای افسانه بایگان صادر کرد که بر اساس آن کسی که عکس بدون حجاب خود را در شبکه مجازی خود منتشر می کند، محتوای مبتدالی تولید نکرده و به همین خاطر هم مصداق مقررات جرائم رایانه ای قرار نمی گیرد. ضمن اینکه حتی اگر چنین جرمی هم مرتکب شده باشد باید قصد ارتکاب به این جرم از سوی آن زن برای قاضی محرز شود. (شاید منظور پیچ پرابوت بازیگر باشد) این حکم باعث شد که این بازیگر از ۹۱ روز حبس و احکام دیگر اولیه تیره نشود. در این تغییر دولت هیچ نقشی نداشت. اما مهم ترین اتفاقی که در زمینه حجاب از سمت دولت رخ داد، اصلاحات شیوه نامه انضباطی دانشگاه ها بود که وزیر علوم و بهداشت در آن نقش داشتند. در این مدت برخی از دانشجویان گزارش داده بودند که به خاطر تصاویر خود در اینستاگرام با احکام تنبیهی روبرو شده بودند که بر اساس شیوه نامه جدید، کمیته های انضباطی مجاز به تجسس در حریم شخصی و صفحات مجازی دانشجویان نیستند.

روز جمعه، سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس اعلام کرد که لایحه عفاف و حجاب در شورای نگهبان بعد از چند بار رفت و برگشت و اصلاحات تأیید شده است. تا امروز اصلاحاتی که روی لایحه شده بود ماجرا را عملاً تغییر نمی داد به جز دو مورد آخر. آخرین بار شورای نگهبان ایراد گرفته بود که نیروی انتظامی نمی تواند در مورد فردی که هویت او نامعلوم است، وارد شود. مورد دیگر هم تغییر مجمع تشخیص بود که ایراد گرفت جریمه نقدی به صورت مستقیم از حساب افراد برداشت نشود. دولت برای حجاب چه ظرفیت هایی پیش رو دارد؟ چند روزی

که دولت می تواند فتح کند همین تغییر مصوبه سال قبل کنکور در شورای عالی فرهنگی است. همان مصوبه ای که ضریب تاثیر گذاری معدل نهایی را سال به سال افزایش و تاثیر گذاری کنکور را سال به سال کاهش داد. از روی کار آمدن پزشکیان اعتراض کنکوری هایی که به تازگی آزمون ۱۴۰۳ را داده بودند شروع شد. آنها با راه تجمیع برگزار کردند و نامه نوشتند و پزشکیان هم در نشست خبری او از پشت کنکوری ها حمایت کرد. کنکور برگ برنده پزشکیان است چرا که هم راه کمتر پیچیده ای برای تغییر دارد و هم اینکه برای این کار یک سال فرصت خواهد داشت. دیروز شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرد که هر تغییری قرار باشد در کنکور رخ دهد باید تا شهر مهر ماه اتفاق بیفتد. بنابراین دولت تا شهریور ۱۴۰۴ وقت دارد که دل جمعیت زیادی را در این جامعه هدف به دست بیاورد.

۲ | تصویب اف ای تی اف: دیروز معاون رئیس جمهور و سرپرست نهاد ریاست جمهوری از ارسال نامه درخواست بررسی مجدد FATF از سوی دولت به مجمع تشخیص ارسال شده است. چرا مجمع؟ به این دلیل که گره لوائح مربوط به پیوستن ایران به اف ای تی اف در مجمع تشخیص مصلحت نظام است. FATF در مجلس دهم تصویب شد و شورای نگهبان رفت و این شورا FATF را رد کرد و پرونده آن در مجمع بررسی شد. به دنبال این اتفاق هیات عالی نظارت در مجمع تشخیص مصلحت نظام لوائح دولت را رد کرد. آخرین افرادی که در مجمع درباره اف ای تی اف نظر دادند، چهره های کاملاً متفاوتی بودند و حالا افراد دیگری روی صندلی های آن نشستند. موضع این چهره های تقریباً جدید چیست؟ اخیراً غلامرضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام که دور قبل مخالف تصویب اف ای تی اف بود، گفت که اگر رئیس جمهور بخواهد دوباره می توانند آن را در مجمع طرح کنند. وقتی از او پرسیده شده بود که آیا نظرها تغییر کرده؟ این موضع گیری به توضیحات رئیس جمهور دارد و اگر دلایل قانع کننده داشته باشد ممکن است نظرها تغییر کند. این موضع گیری در برابر مواضع میرسلیم که اخیراً گفته بود مخالفتش با این پرونده اعتقادی است، می تواند سیگنالی برای تصویب آن در مجمع کنونی باشد.

از طرف دیگر برنامه عملی که اف ای تی اف به ایران داده چیزهایی نیست که اکنون عمل نکرده باشیم. در حال حاضر به جز تصویب پروتکل کنواسیون پالمو و رعایت مفاد مربوط به بند منابع مالی تروریسم، بقیه مفاد اف ای تی اف را داریم اجرا می کنیم. برای مثال حساسیت هایی که از دولت قبل در مورد حساب های تجاری، سیستم بانکی و مبارزه با شُرط بندی و بازگرداندن متهم های اقتصادی از ترکیه اتفاق افتاد، صدقاً همان رعایت مفاد مبارزه با پولشویی اف ای تی اف بود.

۳ | تغییرات کنکور: پزشکیان برای تغییرات کنکور فقط با شورا عالی انقلاب فرهنگی روبروست که خود ریاست آن را بر عهده دارد. هم مجلس را پشت سر خود دارد و هم جامعه میلیونی کنکوری ها و خانواده هایشان. البته که دبیر این شورا حجت الاسلام خسرو پناه ایده ها و فرضیه های خاص خود را در هر موردی دارند و نشان داده اند که اهل جدل و مباحثه هم هستند. پس کار خیلی هم نباید راحت باشد. در حال قابل دسترس ترین سنگری

درباره آن چهار برادر

در حاشیه عکسی که دیروز از یک ملاقات در دفتر حزب الله لبنان در تهران منتشر شده است

فاطمه وجبی | طبیعتاً هر خبری که درباره هر کدام از پسران آیت الله خامنه ای منتشر شود، توجه ها را به خود جلب می کند؛ مانند ماجرای که اخیراً از تعطیل شدن کلاس درس خارج از فقه حجت الاسلام مجتبی خامنه ای، پسر دوم رهبری منتشر شد یا همین عکس هایی که دیروز هر چهار برادر را در کنار هم نشان می داد. تصاویری که دیروز از برادران خامنه ای در خیرگزاری ها منتشر شد، مربوط به حضور آنها در دفتر حزب الله لبنان در تهران بود. بودند تا در دیدار با عبدالله صفی الدین، نماینده این جنبش در تهران، پیام تبریک و تسلیت رهبری به مناسبت شهادت سیدحسن نصرالله را ابلاغ کنند. بیشتر از اصل خبر، این دیدار و ابلاغ پیام، تصاویر برادران در کنار هم بود که توجهات را جلب کرد.

بار قبل که هر چهار برادر در کنار هم دیده شده و تصویرشان به رسانه ها رسیده بود به سال پیش و حضور آنها در مراسم ختم آیت الله استادی برمی گردد اما در آن مراسم، مانند مراسم دیروز در دفتر حزب الله، هر چهار برادر در کنار هم ننشسته بودند؛ بنابراین تصویر تازه از هر نظر نسبتاً به تمام تصاویر اخیر از برادران متفاوت به نظر می رسد. به همین دلیل هم بیشتر از تصاویر قبلی باب گفت و گو درباره آنها را و مرور آنچه درباره شان می دانیم باز کرد اما ما واقعا در مورد پسران آیت الله خامنه ای یعنی سید مصطفی، سید مسعود، سید مجتبی و سید میثم چه می دانیم؟

پسر ارشد
بزرگترین پسر آیت الله خامنه ای که در تصویر دیدار دیروز با نماینده حزب الله هم او را جلوتر از همه می بینیم، سید مصطفی حسینی خامنه ای است که از محاسن یک دست سفیدش می توان به بزرگتر بودن او، نسبت به برادران پی برد. او ۵۹ ساله و متولد مشهد است. به گفته حجت الاسلام احمد مروی، معاون سابق ارتباطات حوزوی دفتر رهبری که حالا تولیت آستان قدس رضوی را برعهده دارد، سید مصطفی خامنه ای در قم زندگی می کند و اصلی ترین فعالیتش به امور حوزوی مربوط می شود. او مانند پسر دیگر آیت الله خامنه ای یعنی سید مجتبی، در سطح عالی یعنی خارج فقه تدریس می کند اما کلاس درس جمع و جور و برگزیده ای دارد. مروی در مورد فعالیت های سید مصطفی گفته: «آقا زاده ها در دفتر (رهبری) مسئولیتی ندارند. فقط در نشر آثار همکاری دارند، و الا هیچ یک از آقا زاده ها مسئولیتی ندارند. جایی هم مشغول نیستند. محض در درس و کار طلبگی هستند، درس می خوانند و انصافاً هم در شان خیلی خوب است. خیلی خوب پیشرفت کرده اند.»

درباره سید مصطفی گفته می شود که مدت زیادی در جنگ ایران و عراق حضور داشته و این حضور، وقتی خیلی جنجالی می شود که در اوایل ریاست جمهوری پدرش خبر گرفته شد، چرا که او با این تنش ها در منطقه، دوام با انتخابات دولت آمریکا بعد است که تکلیف تحریم به این زودی ها روشن شود. سوم اینکه موانع ذهنی محافظه کاران برای رفع تحریم بیشتر از اف ای تی اف است و احتمالاً دولت با مخالفت کمتری از سوی تندروها روبرو خواهد شد.

دستور زبان **عشقه**

خوشبختی از نظر هر کس

معنای متفاوتی دارد؛اما از نظر من

انسان‌هایی خوشبختند/که عشق، به‌موقع به‌سرآغشان بیاید...

سمین دانشور
<div>مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو</div> <div>دبیر آنلاین:صدرا باکتاش</div> <div>مدیر هنری: وحید غفاری</div>
<p>هفت صبح روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی</p> سال چهارم شماره ۱۲۸۹۹ پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۳
<p>صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار</p> مدیر عامل: علی مزینانی

ویرتین رادرست کنیدبقیه‌اش حل می‌شود

در انتقاد از سخنگوی دولت و باشگاه استقلال و اتباع خارجی و روایت تلویزیون

خانم مهاجرانی سخنگوی محترم دولت دو سه هفته‌ای است که به شکل رسمی کار خود را شروع کرده‌اند و پاس‌سخگوی مطالبات رسانه‌ای از دولت شده‌اند. اتفاقی دیروز پاس‌خ ایشان به شبهات ایجاد شده از سوی یک نماینده جوان مجلس را می‌دیدم و در عین حال صدای ماینورم قطع شد، و آنجا بود که متوجه حجم انرژی‌ای شد که ایشان در پاس‌سخگویی به یک سوال با استفاده از اجزای چهره‌شان و همین‌طور حرکات مستمر گردن و سر به خرج می‌دادند. به عنوان یک روزنامه نگار درخواستی از ایشان دارم، در منصب مهم و حیاتی ایشان، بهتر است از نمایش احساسات در چهره موقع پاس‌خ دادن بپرهیزند. کمی بیشتر سرد باشند تا گرم. حرکات سر را کنترل شده داشته باشند و این حجم احساسات متضاد و هیجان را در چهره‌شان بازتاب ندهند. خانم زاخاراو سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه الگوی مناسبی برای شمایل یک سخنگو است. این شمایل سرد به شکل

۲۱ رفتار باشگاه استقلال با یامگا خجالت‌آور است.

همان‌طور که در مورد پادووانی این گونه بود. همان‌گونه که در شیوه طرد سینا اسدیبگی از پرسپولیس هم این‌گونه رفتار را بازتاب داده بودیم. حرف‌های یامگا با خبر ورزشی را در همین سایت نگار این‌گوشه خوانید. چرا این طوری هستید؟ از کدام قبیله‌اید که این‌گونه دشمن تراش هستید؟ آداب اولیه را هم بلد نیستید؟ بی‌حاشیه‌ترین و بهترین بازیکن خارجی و داخلی دو فصل پیاپی فوتبال ایران را چرا این‌گونه آزار می‌دهید؟ چه مرگتان است؟

۲۲ مجموع اتباع خارجی از ده ملیت مختلف در ترکیه یک میلیون و صد هزار نفر است که از میان آنها

دنده عقب

اشکان عقیلی پور

رفقا!.. من تا امروز فکر می‌کردم این که می‌گین هیچکس سر جای خودش نیست، فقط در بعضی موارد صدق می‌کنه؛ ولی امروز متوجه شدم که نخیر... در اکثر موارد، داستان همینه، چرا اینو میگم؟.. عرض می‌کنم.

خدمتون بگم که راستش رو بخواین، بنده در امور فتنی، علی‌الخصوص برقی، هر روز از تشخیص نمیمد و یک لامپ هم می‌خوام عوض کنم، وصیت‌نامه‌م رو می‌ویسم و ذکر گوین میرم بالای صدنی، یعنی همینم هم برای من عملیاتی‌ست بالاتر از خطر و با عرق سرد و دست و پای لرزان، خاتمه می‌یابد.

حالا... امروزتون ایسن که کاری به کار چیزی یا کسی داشته باشم، فیوز پرید، خب، زدن مجدد فیوز، فی نفسه مشکلی نداشت، ولی این که چرا فیوز پریده، جای ترس و دلهره داشت. پس دست به دامان یک برق‌کار شدیم... بعد از شرح موقع، فازمتری رو که هیچوقت نفهمیدم چه جور کار میکنه، از جیبش درآورد که:

– «یه جایی اتصالی داره...» / «بله، این که مشخصه...» / «باید بگردیم پیدااش کنیم...» / «خب بله دیگه...» / «و گرنه دهنه‌ای فیوز می‌پره...» / «بله... دلیل حضور شما هم همینه دیگه.» / «فقط به جسون کلید پریزهای خونه و بعد از مکاشفاتی طولانی، به یک چراغ سقفی رسیدیم که سیم داخلی‌ش خوب شده بود و اتصالی‌ای که به وجود می‌آورد، باعث پریدن فیوز می‌شد.

قصه های گمشده – ۶۵ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)

روای اھالی پرشور کافه فیروز

پنج سال از سرنوگونی رضاشاه نگذشته بود که سفارت شوروی و یا به شکل دقیق تر انجمن روابط ایران و شوروی بانئ کنگره بزرگ نویسندهگان و شاعران ایرانی شد. در تیرماه ۱۳۲۵، به این ترتیب می‌شد پیش‌بینی کرد که این انجمن به شکلی نامحسوس در سبیطر حزب توده قرار می‌گیرد. هرچند به شکلی خودکار نویسندهگان و روشنفکران ایرانی به سمت حزب توده گرایش داشتند و حضور ریزه‌پوش روسی در ایران به آنها اعتماد به نفس لازم را نیز بخشیده بود. به هر حال در این تیرماه در محل خانه فرهنگ ۸۰ چهره ایرانی گردهم آمدند که نام‌های بسیار برطین و پاشکوه دارند. بزرگ‌ترین گردهمایی فقلاتی ادب ایرانی در تاریخ معاصر این گونه شکل می‌گیرد: «کتاب‌شنوای پها، فروزانفر، صادق هدایت، نوین، نیما یوشیج، نائل خانلری، علی اصغر حکمت، علی اکبر دهخدا، بزرگ علوی، جلال آل احمد، صادق چوبک، جلال‌الدین همایی، محمود اعتمادزاده و...» همه بودند این کنگره بی‌تظیر به شکلی واضح ادیبان و شاعران و دو پهلو و ایدئولوژیک را وارد هنر روشفکرانه ایران کرد و مسئله هنر «متعهد به خلق» همچون ابری سیاه و پرباران بر فراز رمان و شعر ایرانی قرار گرفت.

دوران خوش و پررونق و پرتکاپوی نویسندهگان و شعرا با کودتای ۲۸ مرداد به پایان رسید و کار به آنجا رسید که بسیاری از آنان در دهه سی تجربه زندان را از سر گذرانده بودند. در ابتدای دهه چهل سیستم سانسور، نویسندگان ایرانی را به پهلوی آورده بود. آنچنان که یاخته‌ها تعطیل و کارگران بیکار شده بودند و سانسورچی‌های ساواک و وزارت فرهنگ با کوچک‌ترین بهانه‌ای کتاب را غیر قابل چاپ اعلام می‌کردند. در این میان دو اتفاق توامان کمی نویسندهگان و روشفکران را به آینه اندیوار ساخته بود. یکی آغاز تحرات فرهنگی فرح دیبا و حلقه دوستان دوران دانشجویی‌اش و دیگری به قدرت رسیدن امیر عباس همدی که علنا خودکار روشنفکر می‌دانست و دوستی صادق صابقی بود (ابراهیم گلستان و صادق چوبک همکاران شرکت نفت بودند و از قبایل پروژه‌های نفتی زندگی مرفهی داشتند و همان‌جا هم با هویدا که در دوره‌ای در شرکت نفت مستقوبلئی داشت آشنا

امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ مِنْ خَالِصِ عِبَادِهِ مَا يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ تَحْفَةً إِلَى الْأَرْضِ لِإِصْرَفِهَا عَنْهُمْ إِلَى غَيْرِهِمْ وَ لِإِبْلَاءِ عِبَادِهِ لِإِيمَانِهِمْ خِدَايَ عَزَّ وَجَلَّ بندگان در زمین دارد در بین بندگان خالصش. کسانی هستند که هر نعمتی از آسمان به زمین فرود آید، آن را از ایشان باز دارد و به دیگران دهد، و هر گرفتاری که نازل شود، بر ایشان فرود آورد.

منتخب

سایت نگار

صدای زیر آریانا، بی‌مجبئی به کوین، فیلم محبوب فدریکو

❖ گزارشی در خبر آنلاین منتشر شده درباره همداستانی گروه **مسعود رجوی بارتش صدام علیه‌ایران** که در بخشی از آن آمده: فرقه رجوی همداستانی با متجاوز را «قیام بر ضد جنگ» می‌خواند و مدعی است که سازمان مجاهدین خلق و رهبرش مسعود رجوی بود که «جنگ را تمام کرد.»

این سازمان در سال‌های دفاع مقدس در ارگان رسمی خود اقاماتی که علیه نیروهای ایرانی انجام داده را منتشر کرده آن‌چه در کارنامه سیاه این سازمان برجسته است که از تبدیل ارتش به اصطلاح آزادی‌بخش ملی‌ای به لشکر فارسی‌زبان صدام حسین است که از هیچ توطئه و خیانتی علیه رزمندگان دفاع مقدس دریغ نکرد؛ از شهید و مجروح کردن مدافعان مهین تا اسیر کردن آن‌ها و خسارت به ادوات نظامی؛ از اقدامات تروریستی علیه رزمندگان در پشت جبهه تا اقدامات پارتناری و عملیات‌های گسترده.

مجموع کل عملیات‌های تروریستی که سازمان مجاهدین انجام داده ۸۲۹ مورد است. تعداد کل شهدا و مجروحانی که سازمان مدعی است به نیروهای رزمنده دفاع مقدس تحمیل کرده نیز ۸۳۲۲۲ نفر است. گرچه تعداد تلفاتی که سازمان ادعا می‌کند در دو عملیات موسوم به «چلچراغ» و «فروغ جاویدان» به رزمندگان دفاع مقدس وارد آورده بسیار اغراق آمیز اعلام شده است؛ شمار کشته‌شدگان و زخمی‌های عملیات چلچراغ ۸۰۰۰ نفر و همین‌موارد در خصوص عملیات فروغ جاویدان ۵۵۰۰۰ نفر قید می‌شود.

تعداد شهدا به تفکیک تا عملیات موسوم به چلچراغ در ۲۸ خرداد ۱۳۶۷ (مجموع ۸۳۷ عملیات) ۱۴۷۵۸ نفر است. تعداد زخمی‌ها هم تا عملیات موسوم به چلچراغ عدد ۵۵۶۴ نفر را نشان می‌دهد. این عدد صرفا تجمع همان ارقامی است که در اطلاعیه‌های مجاهدین آمده و در واقع تعداد مجروحانی که به دست فرقه رجوی زخمی شده‌اند خیلی بیش از این است. ضمناً می‌بایست به این عدد رقم ده‌ها، تعداد زیادی، تعداد نامشخصی و... که در اطلاعیه‌های سازمان بسیار به کار می‌رفت را نیز افزود. تعداد کل اسرا تا عملیات موسوم به فروغ جاویدان در ۳ مرداد ۱۳۶۷ (مجموع ۸۳۸ عملیات) عددی برابر با ۳۰۱۳ نفر است.

❖ رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری اعضا و انهدام یک باند پنج نفره سرقت مسلحانه از یک صرافی در تهران خبر داد. سردار علی ولی‌پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران با اعلام خیر دستگیری اعضای باند پنج‌نفره سارقان صرافی در تهران گفت: «با شکایت متصدی یک صرافی در محدوده خیابان فردوسی تهران مبنی بر سرقت مسلحانه ۳۰۰هزار دلار، بررسی موضوع در اختیار تیمی از کارآگاهان زبده این پلیس قرار گرفت.»

وی افزود: «ساکبی با حضور کارآگاهان در محل جرم، اظهار داشت: «در داخل صرافی به همراه شاگرد مغازه حضور داشتم که تعدادی از افراد ناشناس درخواست تبدیل ۲۹۰۰پوند انگلیس را به دلار برای فردی کردند. به درخواست این افراد اقدام به تهیه ارزهای در خواستی کردم و پس از گذشت مدتی، مقرر شد که خریداران به صرافی برای معامله حاضر شوند ولی خریداران پس از مشاهده دلارها به بهانه گفت‌وگو با فردی از صرافی خارج و انجام معامله تا ساعت پایان کار پاساژ به تعویق افتاد که در این هنگام خریداران به صرافی مجدداً مراجعه و با تهدید سلاح گرم، کلیه دلارهای تهیه شده را با بستن دست‌وپای من و شاگردم سرقت کردند.» این مقام ارشد انتظامی به تحقیقات در محدوده جغرافیای جرم و شناسایی چهره سارقان اشاره کرد و ادامه داد: «با تلاش کارآگاهان اعضای باند پنج‌نفره سارقان مسلح شناسایی و با صدهای اطلاعاتی مشخص شد که متهمان با مراجعه به شهرهای اصفهان و اهواز، مرتکب جرایم مشابهی شدند.» وی افزود: «با هماهنگی‌های قضایی، تیمی از کارآگاهان، راهی شهر اهواز شدند و با حضور کارآگاهان در شهر اهواز، اطلاعاتی به دست آمد. مبنی بر اینکه متهمان به سمت شهر تهران در حرکت هستند و تعقیب لحظه به لحظه متهمان ادامه یافت تا اینکه ماموران موفق شدند اعضای این باند پنج‌نفره شامل چهار مرد و یک زن را دستگیر کنند.»

❖ **تسنیم نوشت:** از سه‌شنبه‌شب هم‌زمان با پاس‌خ موشکی ایران به رژیم صهیونیستی یا شلوغی پمپ‌بازین‌ها مواجه هستیم؛ مسئله‌ای که به نظر می‌رسد بیش از دلیل دلوایسی، پدیدهای استنت که در مواقع خاص به یک تفریح گروهی در فضای واقعی و مجازی تبدیل شده است.

❖ اگرچه این اقدام غیرمنطقی و خنده‌دار به‌نظر می‌رسد؛ اما عده‌ای از مردم در هر رویدادی که کوچکترین ربطی به بنزین ندارد هم با مراجعه بی‌مورد به پمپ‌بنزین‌ها، ایجاد صف و ترافیک در جایگاه‌های عرضه سوخت را رقم می‌زنند.

❖ اگر فرضاً اختلالی به‌هر دلیل در نظام عرضه سوخت رخ دهد، با یک باک بنزین بیشتر، هیچ توفیقی برای این متقاضیان بنزینی حاصل نمی‌شود و چه بسا تنها اختلال و چالش عرضه سوخت کشور در زمان بروز رخدادهای خاص، مراجعه بیش از نیاز همین عده در ظاهر دلواپس و آیدندنگر است.

❖ **عبدالجواد موسوی در مهم‌میهن نوشت:** هر چقدر حزب‌الله لبنان توانست برای مردم لبنان و منطقه جذابیتی ایجاد کند حزب‌اللهی‌های ما دافعه ایجاد کردند.

❖ حزب‌الله لبنان به‌دلیل سلوک نظری و عملی و رهبران و پیروان‌شان می‌توانند در دل پایتخت کشورهای اروپایی و آمریکایی هزاران نفر را به خیابان‌ها بیاورند و دل از چپ و راست برابند و جوانان عدالت‌طلب و آزادی‌خواه را جذب شعارهای ضدامپریالیستی کنند.

❖ **همان‌ترین** وجه فرق آن‌ها با نسخه وطنی چیزی است بنام عقل و تدبیر. از همان دهه ۷۰ تا به امروز همه که هنوز است نسخه وطنی تغییر‌نبدانی نکرده‌است، منظور از تغییر، فهم و درک زمانه است و اهم فی‌الاهم کردن ضرورت‌ها و نیازها، همه‌چیز بر مدار ظاهرینی می‌گردد و تا در بر همین پاشنه می‌چرخد آش همان آش است و کاسه همان کاسه.

❖ **یامگا: مدیران استقلال، من را در ایران گروگان گرفته‌اند!** یامگا در گفت‌وگو با خبرورزشی در این خصوص گفت: «سهاده بگویم، مدیران استقلال من را در ایران گروگان گرفته‌اند و حق خروج از اینجا را ندارم! برای ۶ هفته پیاپی مدام از آنها درخواست کردم که برایم ویزای خروج از کشور بگیرند اما این کار را انجام ندادند. به همین دلیل خودم شخصاً به سفارت مراجعه کردم تا ببگیرم این موضوع شوم. متأسفانه وقتی به آنجا رفتم، درخواست رد شد و به من اعلام کردند نمی‌توانند ویزای خروج صادر کنند چرا که پرونده مالیاتی تراهم را ندارم. در صورتی که باشگاه به من گفته بود از این بابت هیچ مشکلی وجود ندارد.»

دلیل موافقت نکردن با درخواست یامگا هم حیرت انگیز است که از زبان خود او می‌خوانید؛ «روز گذشته به اداره مالیات مراجعه کردم اما در کمال تعجب به من گفتند باشگاه استقلال دروغ گفته و از زمان حضور من در ایران، هیچ مالیاتی پرداخت نشده است! حتی بعد از توضیحات من و مدارکی که‌از سوی باشگاه به آنها ارائه دادم، با درخواست خروج موافقت نکردند. آنجا به من توضیح داده شد که مدرکی دال بر پرداخت مالیات از سوی استقلال وجود ندارد و آن چیزی که باشگاه فرستاده، دروغ بوده است!» بهترین گلزن خارجی تاریخ استقلال می‌گوید نیاز مبرمی به خروج از کشور دارد اما او همکاری نمی‌شود؛ «با توجه به اینکه من به زمین بازی برگشتم، باید هرچه سریع‌تر مرحله جدیدی از چکاپ سلامتی‌ام را انجام دهم و حتی با دکتر شخصی خودم هم هماهنگ کردم اما اجازه ترک ایران را ندارم. من تمام مدت با خودم می‌انجام دهم. برای این مورد اورژانسی که پزشکی هم محسوب می‌شود، نمی‌توانم کاری انجام دهم. از یک طرف باشگاه مالیات من را پرداخت نکرده و از طرف دیگر اداره مالیات هم به دلیل دیرکرد این موضوع قصد جریمه دارد و به هیچ‌عنوان با من همکاری نمی‌کنند.» یامگا در پایان گفت: «باشگاه استقلال ۳ مرتبه به من گفت مالیات را پرداخت کرده و مدارک آن را برابرم ارسال کرد که آن را هم دارم. ولی در اداره مالیات به من گفتند

واکو‌های‌انتظار

خودت می‌دانی /بهانه‌گیری می‌شوم/ زمانی که کمتر تو را می‌بینم

کمتر با هم حرف می‌زنی/ کمتر می‌گوییم /دوستت دارم... بیا

وبهانه‌های مرا/ از من بگیر

اوقات شرعی تهران اذان صبح ۰۴:۳۱ طلوع خورشید ۰۶:۰۱ افان ۱۰:۵۴ غروب خورشید ۱۷:۴۴ اذان مغرب ۱۸:۰۲
<div>نشانی: تهران، خیابان سپهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه سازاد، پلاک ۳ <p>کد پستی: ۰۵۳۵۱-۱۵۶۶۷</p> تلفن و نمابر: ۰۲۸۵۴-۸۸۴۰۳۸۵۴ شماره پیامک: ۰۹۲۰۰۱۷۰۰۹۲۰ سازمان آگهی‌ها: ۰۲۱-۸۸۴۴۱۹۸۸ توزیع: دنیای اقتصاد تابان اجاب: پیام‌مشه‌ری-جام‌جم اشتراک اینترنت نتنی: www.jaaar.com</div>

باز نشر مطالب روزنامه‌صحت صرف‌فا

اجازه کتبی مجاز است. در غیر این صورت

ممنوع و قابل مجرمه قانونی است

pr@7sobh.com

www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سپهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه سازاد، پلاک ۳

کد پستی: ۰۵۳۵۱-۱۵۶۶۷

تلفن و نمابر: ۰۲۸۵۴-۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۰۱۷۰۰۹۲۰

سازمان آگهی‌ها: ۰۲۱-۸۸۴۴۱۹۸۸ | توزیع: دنیای اقتصاد تابان اجاب: پیام‌مشه‌ری-جام‌جم

اشتراک اینترنت نتنی: www.jaaar.com

سایت نگار

صدای زیر آریانا، بی‌مجبئی به کوین، فیلم محبوب فدریکو

که باشگاه دروغ گفته است. چاره‌ای ندارم که با فدراسیون تماس بگیرم و بعد از آن از طریق فیفا وارد عمل شوم چرا که در قرارداد هم ذکر شده پرداخت مالیات به عهده استقلال است و آنها مسئولیتش را به عهده دارند. اصلاً دنبال درست کردن در‌دسر برای راشگاهی نیستم که روزهای خوبی را در آن گذراندم اما باید یک راه حلی برای این مشکل پیدا شود. عمیقاً از این موضوع خسته شدم و امیدوارم هوداران من را درک کنند.

❖ **هفته گذشته کیناوش عیاری در نشستتی که به نمایش فیلم «آنسوی آتش»، محصول سال ۱۳۶۶، اختصاص داشت، نکته جالبی را با حضاران در میان گذاشت.** عیاری در پایان این نشست خاطره‌ای نقل می‌کند و می‌گوید: «فدریکو فلینی را که همه می‌شناسند، در چند ماه قبل از فوتش یک مصاحبه‌ای داشت در شبکه اصلی تلویزیون سوئیس. مجری ازش پرسید: شما که الان خیلی با سن و سال بالای‌ی هستید و اغلب فیلم‌های دنیا رو دیدید، فیلم منتخب عمر تو چی؟» خب می‌دونید که فلینی یکی از سلاطین واقعی تاریخ سینماست. فلینی هم گفت: من مدتی پیش از کانال Zeno فرانسه یک فیلم ایرانی دیدم به اسم «آنسوی آتش». این فیلم منتخب من برای تمام عمرمه. این حرف شنیدنش از زبان آدمی مثل فلینی برای من... دیگه نمی‌تونم بگم چه...»

❖ **صالحی امیری وزیر گردشگری گفت:** طبق اعلام سازمان‌های بین‌المللی ایران در رده‌بندی جهانی، هفتمین کشور جذاب برای گردشگران در جهان است، البته من معتقدم در بین سه کشور جذاب جهان هستیم.

صالحی امیری زیرساخت استاندارد و وجود امنیت را از دیگر عوامل مؤثر در توسعه گردشگری دانست و گفت: اکنون حدود ۶.۲ میلیون ظرفیت جذب گردشگری داریم و در کشور ثبت شده است، اما طبق برنامه هفتم باید این رقم را به ۱۵ میلیون گردشگر تا سال پایانی برنامه برسانیم.

باید علاوه بر اینکه با همکاری بین‌الملل، دیپلماسی گردشگری را فعال کنیم باید در داخل هم ظرفیت گردشگری را تقویت کنیم و ارتقا دهیم، مثلاً باید سالانه ۱۰۰ هتل

۴ و ۵ ستاره در کشور بسازیم.

❖ **روزیاتو گزارش داد:** بررسی صورت مالی شرکت Volant Media (مالک تلویزیون ایران اینترنشنال) نشان می‌دهد این شرکت طی سال ۲۰۲۳ تعداد ۳۹۱ کارمند در بخش‌های مختلف داشته و مجموع حقوق و دستمزد پرداختی به این افراد نزدیک به ۲۴ میلیون پوند بوده که با احتساب بیمه و بازنشستگی، این مقدار به بیش از ۲۷ میلیون پوند می‌رسد. با احتساب همان ۲۴ میلیون پوند حقوق و دستمزد، میانگین دریافتی سالانه هر نفر از کارکنان تلویزیون ایران اینترنشنال به حدود ۶۱ هزار پوند و میانگین ماهانه دریافتی این افراد به حدود ۵۱۰۰ پوند معادل ۶۸۰۰ دلار (۴۰۸ میلیون تومان ماهانه) می‌رسد. گرچه بیان رقم ریالی دریافتی خبرنگاران این رسانه صرفاً برای تصور مخاطب بوده، اما رقم ۶۱ هزار پوندی درآمد خبرنگاران ایران اینترنشنال در حالی است که متوسط درآمد خانوارها در کل انگلستان طی سال گذشته حدود ۳۴۵۰۰ پوند بوده است. به‌عبارتی، درآمد خبرنگاران این رسانه، ۴برابر میانگین درآمد مردم انگلستان بوده است.

❖ **ژوئن** گذشته ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی پربیننده شد که نشان می‌داد آریانا گراند در مصاحبه با پادکست «پن بجلی» با صدایی یم حرف می‌زند و سپس فوراً صدایش را نازک‌تر می‌کند. بسیاری از هوداران این تغییر صدا را تکفوش کردند و باعث شدند گراند در تمیک‌تاک بگوید «تعمداً» صدایش را تغییر می‌دهد.

آریانا گراند در مصاحبه جدید و اکث‌ش منفی را به یاد می‌آورد و می‌گوید در هالیوود استانداردهای دوگانه‌ای وجود دارد: «بخشی از دنیا نمی‌داند که برای تغییر صدا چه باید کرد، چه برای خوانندگی باشد چه حرف زدن با لهجه دیگری برای یک نقش یا تغییر صدا برای یک شخصیت. وقتی بازیگر مردی این کار را می‌کند، تحسینش می‌کنند. شوخی‌هایی هم می‌شود، اما همیشه پس از موجی از ستایش‌ها می‌آید: «وای، این مرد در نقش خود حرف زد.» این در واقع بخشی از بازیگری است. حکایتی به قدمت تاریخ حضور زنان در این صنعت است. به شما به گونه دیگری رفتار می‌شود و زیر میکروسکوپ قرار می‌گیرد به شکلی که دیگران نیستند.» او اضافه می‌کند که به سخت‌کوشی برای بازی در موزیکال «بدجنس» افتخار می‌کند.

❖ بلافاصله بعد از پایان بازی اینترن میلان مقابل ستاره سرخ بلگراد اینستاگرام رسمی باشگاه اینتر میلان، تصویر شادی گل طارمی را منتشر کرد. انکار که همه منتظر چنین تصویری بودند و برپای آن لحظه‌شماری می‌کردند؛ از هوداران دو آتشه ایتالیایی بگیرد و به کاربران ایران برسید. همه و همه نظرات خود را نوشتند و تمام آنها به تمجید از طارمی اختصاص داشت. حالا ستاره تیم ملی، جواهر جدید اینترمیلان است و البته هوداران نراتزوری غیبه می‌خورند که چرا خیلی دیر پادشاه ایرانی را جذب کردند.

بخشی از این نظرات که اغلب جذاب است و به حدود ۶ هزار مورد رسیده را در ادامه می‌خوانید.

جیانلوکا: بهترین خرید این فصل، مهدی طارمی است. باهوش و جنگنده. از تو متشکریم مهدی. ای کاش تو را زودتر به تیم خود می‌آوردیم. اگر طارمی را در فینال فصل ۲۰۲۳ لیگ قهرمان داشتیم، حتماً منچسترستی را می‌زدیم.

اویلان: مهدی، چرا به جای گلزنی پاس می‌دهی؟ با این حال تو قهرمان ایرانی من هستی. نمایش بزرگ تو دیدیم. زنده بماند اینتر؛ زنده بمان طارمی.

وینچنزو: همه چیز می‌دانم، آیا شاهزاده جدیدی در میلان وجود دارد؟

تیک ولادات: تیم‌هی‌های طارمی با پاس دادن، باید به او خوراک بدهند. او به راحتی می‌توانست ۲ گل بزند. تنها کاری که او انجام می‌دهد، کمک به دیگران است. لطفاً به طارمی نگاه کنید آقای اینتزگی!

ماریاس دومی: اینتر جواهر جدیدی دارد. باید او را نگه داریم، برای همیشه.

آندره اریئا: چه بازیکنی است این مهدی طارمی.

پنتو کالر: کم می‌قبلاً پیراهن شمارا خریدم. هم عالی و بازیکن بزرگ.

نیروانا: طارمی بازیکن ۳۲ ساله‌ای است با روحیه و انگیزه بالا. او از ۹۹ درصد همسن و سال‌های خود جوانتر است.

ایمپار سالپ: وای مرد، چه عملکردی. قهرمان، همینطور ادامه بده.

سانتوس سینتز: ویرانگر. اروپا به تو تطمیش می‌کند.

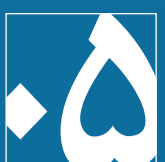
کاربر ایرانی: کمی هم به فکر خودت باش و اینقدر پاس نده.

کاربر ایرانی خطاب به اینزآگی: توصیه مرا بپذیرفتید و از الماس ایرانی استفاده کردید.

اگر در دربی مهدی را بازی می‌دادی، الان خوشحال‌تر بودی آقای اینتزگی!

❖ **بخشی از یادداشت عباس عبیدی در اعتماد:** مصرف بالای انرژی نشانه توان اقتصادی و توسعه‌یافتگی است به شرطی که از سوی باشگاه به آنها ارائه دادم، با انرژی در تولید و انتقال و مصرف و دستگاه‌های باهوش‌تر برای پرداخت برخی برآوردها هدررفت انرژی از تولید تا مصرف در ایران را تا ۳۰ درصد کل انرژی برآورد می‌کنند؛ رقمی که بیش از میزان صادرات نفت کشور است.

سیاست انرژی در ایران بر دو محور اساسی، یعنی تولید و توزیع غیربینهه و ارزان بنا شده است. سیاستی که هر چه تولید کرده به پای مصرف نرسیده است و نتخواهد هم رسید. سیاستی که جزیره‌های کوچک، اکنون باید ضمن یکپارچه شدن، مدیریت تولید را در کنار مدیریت مصرف بپهنه و ایجاد تنوع انرژی کشور به ویژه حرکت به سوی انرژی‌های تجدیدپذیر راهبری کرد. گفته می‌شود که بیش از ۹۰ درصد از ظرفیت جدید تولید برق جدید جهان از انرژی‌های تجدیدپذیر است. در مقابل در ایران و در سال گذشته ظرفیت برق جدید حدود ۲۰۰۰ مگاوات بالا رفته که فقط ۱۰۰ مگاوات آن مربوط به انرژی‌های تجدیدپذیر، یعنی فقط ۵ درصد بوده.



سرنوشت متفاوت دو برادر

یک دوسیه خواندنی در مورد «تندر ۹۰» و «رنو ساندرو»؛ دو محصول فرانسوی که یکی در کشورمان موفق ظاهر شد و دیگری نه



ارسلان سلیمانیان | سال ۱۹۹۹، یک بازدید از بلوک شرق اروپا توسط تیم بلندپایه مسئولان رنو با هدف بررسی بازار اروپای شرقی؛ مدیران وقت کمپانی رنو در این بازدید با بررسی تمامی جوانب موجود در بازار به نکته‌ای قابل تأمل برمی‌خورند. خودروهای ساخت اروپای شرقی و به خصوص کشور روسیه با تکنولوژی چندین سال قبل و با کیفیتی پایین و چهره‌ای نه‌چندان جذاب اما با قیمتی بین ۶ الی ۱۰ هزار دلاری در این منطقه از فروش مطلوبی برخوردارند در صورتی که خبری از فروش مطلوب خودروهای اروپای غربی با قیمت کمی بالاتر نیست. این مسئله تیم بازدیدکننده و مسئولان رنو را به فکر انداخت و در همان موقع مسئولان ارشد کمپانی رنو تصمیم می‌گیرند خودرویی ساده، مدرن و ایمن اما اقتصادی برای بازار هدف اروپای شرقی و کشورهای در حال توسعه طراحی و عرضه کنند. مهندسان و طراحان کمپانی رنو پس از اشراف کامل به استراتژی کمپانی و آگاهی از وظیفه خود، دست به کار شده و کار نه‌چندان آسان خود را برای رسیدن به خودرویی ارزان‌قیمت اما بر اساس استانداردهای فنی و ایمنی روز آغاز کردند و پس از گذشت ۵ سال از شروع این پروژه و صرف هزینه ۴۸۹ میلیون یورویی، در سال ۲۰۰۴ خودروی لوگان با قیمت پایه ۷ هزار یورویی معرفی شد. و پس از آن تولید این خودرو به صورت مشترک در رنو و داجیای رومانی آغاز شد. بعدها پای این خودرو به ایران باز شد و نامش را تندر ۹۰ گذاشتند. تندر ۹۰ در نسخه‌های مختلفی در بازار کشورمان عرضه شد. از نمونه سدان گرفته تا MPV و حتی وانت. بعدها نسخه فیس‌لیفت و پارس تندر هم به بازار عرضه شدند که هرگز نتوانستند موفقیت مدل اولیه را تکرار کنند. چند سال بعد برادر کوچک‌تر تندر نیز با نام ساندرو به ایران آمد. یک هاجک شهری که دست بر قضا آن هم نتوانست پای در جای تندر بگذارد. در این پرونده نگاهی متفاوت خواهیم داشت به سیر تا پیماز دو برادر اروپایی که روزگاری در بازار ایران دلبری می‌کردند.

❖ قیافه نداشت اما کارایی چرا!

اواسط دهه ۸۰ خورشیدی بود که نگاه ایرانی‌ها در خیابان نخستین بار به خودرویی بر خورد که متفاوت از خودروهای هم‌قیمتش بود. نخست اینکه برخلاف اکثر خودروهای رنج قیمتی ۹ الی ۱۴ میلیون تومان از جنس خانواده پژو ۴۰۵ نبود، نه مثل انواع سمند و پژو پارس روی پلتفرم ۴۰۵ طراحی شده بود و نه همانند انواع رُوا و رُوا سال قیافه قدیمی ۴۰۵ را داشت. دلیل دوم اینکه برخلاف کیا ریو یا پرونوتون ویرا از تکنولوژی و چهره ظاهری جدیدتری بهره‌مند بود. با اینکه در چند سال نخست، بازار این خودرو از عدم ثبات و سردرگمی در قیمت‌ها رنج برد اما در طول بیش از یک دهه توانست اسم و رسم برای خود دست و پا سازد به طوری که جامعه خودرویی کشور و بازار خودروی داخل دید کاملاً متفاوت‌تری به این خودرو نسبت به دیگر خودروهای رنج متوسط بازار دارد. در نگاه نخست تندر را خودرویی کمی دور از سلیقه ایرانی خواهید یافت. طول کم و ارتفاع

نیم کلاچ

واردکننده‌ای که قرار است خودرو ساز شود

شرکت واردکننده اشکودا و نیسان؛ خبر از تولید خودرو و ساخت کارخانه داد



ایران‌روور به‌تازگی اقدامات مهمی را در زمینه خدمات پس از فروش به مشتریان خود به‌ویژه در حوزه خودروهای وارداتی انجام داده. این شرکت با ارائه «آنی کارت» و توسعه سرویس‌های پس از فروش، گامی نوین در ارتقای کیفیت خدمات به مشتریان برداشته است. آنی کارت به‌عنوان یک ابزار برای ارائه خدمات سریع و کارآمد به مشتریان، به‌ویژه برای خودروهای وارداتی نظیر اشکودا و نیسان، معرفی شده است. علی‌شهنی، مدیر بازاریابی پارس ساتر هوشمند، اعلام کرد آنی کارت و آنی سرویس، خدمات پس از فروش ایران‌روور را متحول خواهند کرد. این کارت به مشتریان امکان استفاده از خدمات امدادی سریع و سرویس‌های دوره‌ای بدون نیاز به مراجعه به نمایندگی را می‌دهد. خودروی «آنی سرویس» در محل مشتری حضور یافته و خدمات لازم را انجام می‌دهد. این رویکرد، مخصوصاً برای خودروهای نیسان و اشکودا، با توجه به نیازهای این برندهای وارداتی طراحی شده است. همچنین ایران‌روور خدمات خود را به دیگر برندهای وارداتی نیز توسعه خواهد داد و تلاش می‌کند تا نیازهای تمامی مشتریان خود را به بهترین شکل ممکن برآورده کند. یکی از ویژگی‌های برجسته آنی سرویس این است که برای انجام سرویس دوره‌ای و امدادی خودرو، نیازی به حضور فیزیکی مشتری در نمایندگی نیست. خودروی امدادی در محل حاضر می‌شود و خدمات مورد نیاز را ارائه می‌دهد. همچنین در صورتی که خودروی مشتری نیاز به انتقال به نمایندگی داشته باشد، این کار به‌صورت رایگان و در اسرع وقت انجام خواهد شد. این خدمات در سراسر کشور و به‌ویژه در مناطق فاقد نمایندگی رسمی، مزایای بسیاری برای مشتریان به همراه دارد. سوزی دیگر، ایران‌روور برای تأمین قطعات یدکی و خدمات فنی نیز همکاری گسترده‌ای با شرکت «هایپر کار» آغاز کرده است. این شرکت به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان قطعات یدکی خودروهای وارداتی در ایران، نقش مهمی در تسهیل فرایند تأمین و توزیع قطعات برای خودروهای نیسان و اشکودا دارد. شهنی در این زمینه اعلام کرد که اولویت اصلی ایران‌روور و هایپر کار، ارائه قطعات اصلی و باکیفیت به مشتریان و رفع نیازهای آن‌ها در سریع‌ترین زمان ممکن است. یکی دیگر از اهداف ایران‌روور، توسعه واردات خودروهای جدید به ایران است. بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، این شرکت امسال ۵ هزار دستگاه نیسان سیلفی را به ایران وارد خواهد کرد. تاکنون ۱۳۰ دستگاه از این خودرو به مشتریان تحویل داده شده است و فرآیند شمارگذاری خودروهای اشکودا نیز تا ۱۰ روز آینده آغاز خواهد شد. ایران‌روور قصد دارد در صورت افزایش واردات نیسان سیلفی به بیش از ۳ هزار دستگاه، مدل‌های جدیدی از این خودرو را نیز به بازار معرفی کند. ایران‌روور همچنین اعلام کرده است که تا پایان سه‌ماهه اول سال آینده، اولین محصول تولیدی خود را عرضه خواهد کرد. این محصول که احتمالاً در خردادماه به بازار عرضه می‌شود، آغازگر فصلی نوین در تاریخچه ایران‌روور خواهد بود و این شرکت را از یک واردکننده خودرو به یک خودروساز تبدیل می‌کند. با تمامی این تحولات، ایران‌روور نه‌تنها توانسته است جایگاه خود را در بازار خودروهای وارداتی تقویت کند، بلکه با توسعه خدمات پس از فروش و تأمین قطعات، توانسته است اعتماد مشتریان را به دست آورد و گامی مهم در جهت توسعه صنعت خودروسازی داخلی بردارد.

❖ قصه برادر کوچک‌تر

رنو ساندرو در سال ۲۰۰۷ معرفی شد. خیلی‌ها ساندرو را برادر کوچک‌تر «لوگان» (یا همان تندر خودمان) می‌دانند. در حقیقت شرکت رنو با معرفی ساندرو به دنبال جذب مشتریان جوان‌تر و رانندگان خانم بود که قبل از آن نمی‌توانستند با لوگان ارتباط برقرار کنند. شکل و شمایل نسل نخست ساندرو نیز هیچ مولفه جذاب و اغواگری در بر نداشت و باز هم این مشخصات فنی و کیفیت مونتاژ آن بود که دست بالا را در قیاس با رقیب داشت. شروع این دوره پیش‌بینی‌ها هنوز پیشرفت نکرده بودند و طراحی‌های بسیار ضعیفی داشتند اما ساندرو در رقابت با همان چینی‌های کسل‌کننده نیز حرف چندانی برای گفتن نداشت. شاید به همین دلیل بود که ورود ساندرو به بازار ایران در اواسط دهه ۹۰ نتوانست موج عظیمی را در بین خریداران خودرو شکل دهد. خاصه آن روزها خیل عظیمی از خودروهای چینی وارد بازار کشورمان شده بودند و چشم مشتریان ایرانی به طراحی‌های متنوع و گاهی مدرن چینی‌ها عادت کرده بود. رنو ساندرو با قیمت حدود ۴۰ میلیون تومان وارد بازار شد و از این حیث رقیب‌های همون پژو ۲۰۷ و بریلانس H۳۲۰ را در مقابل خود می‌دید. این هاجک شهری از همان پیش‌تر ۴ سیلندر تندر ۹۰ بهره می‌برد که می‌توانست ۱۰۵ اسب بخار قدرت تولید کند. با این تفاوت که این بار ساندرو هم با جعبه‌دنده دستی و هم با جعبه دنده خودکار ۴ سرعته به بازار آمد. حس رانندگی با ساندرو و طعم چندانی با تندر ۹۰ ندارد و همان نرمی را می‌توان در این خودرو تجربه کرد. شتاب صفر تا ۱۰۰ این خودرو حدود ۱۰/۵ ثانیه اعلام شده بود که برای یک محصول اکونومیک فرانسوی رقم مناسبی به نظر می‌رسید. البته که سیستم ترمزگیری ساندرو تا حدی به روزتر و مطمئن‌تر شده بود. از نقاط ضعف جدی ساندرو می‌توان به هندلینگ نه‌چندان دقیق اشاره کرد. به طور کلی کیفیت رانندگی در این خودرو می‌توانست طیف وسیعی از مشتریان را راضی سازد اما ضعف‌های جدی در طراحی، کمبود آپشن‌های رفاهی، برخی ایرادات فنی از جمله هندلینگ ضعیف و از همه مهم‌تر سیاست‌های غلط تولیدکننده وطنی سبب شد تا ساندرو زیر سایه سنگین رقیب قرار گیرد. رنو ساندرو می‌توانست در همان دهه ۹۰ خورشیدی تبدیل به محصولی موفق و مهم شود، اگر به جای نسل قبلی، نسل جدید آن با چهره‌ای مدرن‌تر و تجهیزات بیشتر و قیمت رقابتی‌تر عرضه می‌شد.

خودروسازان کشور در دورهای میانی دور موتور و تعویض دنده در این هنگام است. بدون شک مجموعه کلاچ و عملکرد مناسب جعبه‌دنده که موجب تعویض دنده به شکلی بسیار نرم و با وضعیت کاملاً متفاوت نسبت به رقیب‌های تندر در داخل کشور می‌شود، از نقاط مثبت و برتری تندر است. رانندگی با تندر قابل کنترل و بسیار نرم بوده و البته فضای داخلی وسیع به همراه امکانات اولیه قابل قبول در نمونه‌های فول آپشن سبب خواهد شد تا رانندگی خسته‌کننده‌ای را با تندر نداشته باشید. سیستم تعلیق تندر عملکرد مناسبی نداشته و هنگام مواجهه با ناهمواری‌ها حس نامطلوبی به شما دست نخواهد داد اما ارتفاع زیاد خودروی تندر و استفاده از اکسل یکپارچه در قسمت عقب، کار تندر هنگام عبور از بچ‌های ناهموار را مشکل خواهد کرد و اگر هنگام عبور از یک پیچ دارای ناهمواری در داخل تندر مشغول فکر کردن باشید حتماً حواستان پرت شده گشتاور تولیدی ۱۴۸ نیوتن متری آماده حرکت است. دورگیری موتور نسبتاً نرم سریع انجام می‌شود. شتاب نخستین خودرو با توجه به کلاس خودرو و قیمت آن کاملاً قابل قبول است. شتابگیری ثانویه نیز به همین ترتیب از وضعیت قابل قبولی برخوردار است اما نکته در

❖ تندر ۹۰ روی جاده

هنگامی که پشت فرمان تندر ۹۰ قرار گرفته و روی پدال گاز فشار می‌دهیم، ضعف این خودرو در طراحی را به کل فراموش خواهیم کرد. پیش‌ترانه ۱۶۰۰ سی‌سی تندر ۹۰ با ۱۶ سوپاپ و با قدرت تولیدی ۱۰۵ اسب بخار و حداکثر گشتاور تولیدی ۱۴۸ نیوتن متری آماده حرکت است. دورگیری موتور نسبتاً نرم سریع انجام می‌شود. شتاب نخستین خودرو با توجه به کلاس خودرو و قیمت آن کاملاً قابل قبول است. شتابگیری ثانویه نیز به همین ترتیب از وضعیت قابل قبولی برخوردار است اما نکته در

شکایت دسته‌جمعی از مزدا به خاطر گرم‌کن‌های صندلی خیلی داغ!

مزدا ۶ به دلیل مصرف سوخت بهینه خود نیز شهرت دارد. داخل کابین از مواد مرغوب استفاده شده و سیستم اطلاعات سرگرمی با یک صفحه نمایش ۸ اینچی و قابلیت اتصال به تلفن‌های هوشمند تجربه کاربری خوبی فراهم می‌کند. از نظر ایمنی، امکاناتی نظیر نظارت بر نقاط کور و هشدار ترافیک عقب به صورت استاندارد در عرضه می‌شوند. مزدا ۶ با فرمان پذیری دقیق و سواری راحت، گزینه‌ای مناسب برای رفت و آمدهای روزمره و سفرهای طولانی است. در مجموع، این خودرو با ترکیبی از عملکرد، راحتی و طراحی زیبا، یکی از رقیب‌های برجسته در کلاس خود به شمار می‌رود.

مالی، خواستار غرامت برای آسیب‌های جسمی و روحی، از دست دادن درآمد، هزینه‌های پزشکی و کاهش کیفیت زندگی در گذشته و آینده هستند.

❖ مشخصات فنی مزدا ۶

مزدا ۶ مدل ۲۰۱۸ یک سدان سباز متوسط با طراحی جذاب، عملکردی اسپرت و کابینی لوکس است. این خودرو با موتور ۲/۵ لیتری چهار سیلندر که توان ۱۸۷ اسب بخاری تولید می‌کند و با گیربکس شش سرعته اتوماتیک ترکیب شده، عملکردی عالی ارائه می‌دهد.

است. همچنین ادعا می‌شود که مزدا با آگاهی از خطرات ایمنی، خودروهای معیوب را به فروش رسانده و جان هزاران نفر از جمله شاکیان را به خطر انداخته است.

شرکت مزدا همچنین به تبلیغ و فروش این خودروها با وجود نقض ایمنی متهم شده است. شاکیان ادعا می‌کنند که در صورت اطلاع از این نقض، خودروی مزدا ۶ را نمی‌خریدند یا مبلغ کمتری پرداخت می‌کردند. آن‌ها خواستار محاکمه با حضور هیات منصفه هستند و مزدا به دلیل عدم هشدار، عرضه محصول معیوب، سهل‌انگاری، ارائه اطلاعات نادرست و تقلب تحت پیگرد قانونی است. شاکیان علاوه بر جبران خسارت‌های

یک شکایت دسته‌جمعی در آمریکا علیه شرکت مزدا ثبت شده است که ادعا می‌کند گرم‌کن صندلی‌های مزدا ۶ مدل سال ۲۰۱۸ بیش از حد داغ شده و به سرنشینان آسیب رسانده است. این شکایت که توسط کریستین دی در تاریخ ۳ سپتامبر ۲۰۲۴ در دادگاه عالی کالیفرنیا، منطقه سان‌فرانسیسکو ثبت شده، ادعا می‌کند که شاکبی به دلیل نقض در گرم‌کن صندلی خودروی مزدا دچار سوختگی‌های شدید و زخم‌های دائمی شده است. سایر شاکیان نیز از سوختگی ناشی از این نقض فنی شکایت دارند. در این شکایت آمده است که مزدا سال‌ها از این مشکل آگاه بوده اما مصرف‌کنندگان را از خطرات احتمالی مطلع نکرده



درامپراطوری ملکه قمار

درباره دنیس کوتس، ثروتمندترین زن بریتانیا چه می‌دانیم؟

رامتین لطیفی | هر راننده یا عابری که از خیابان چشم‌نواز یا خطوط پیاده‌روی باریک و دل‌نواز اطراف خانه پر زرق و برق و کاخ زیبا و مشهور چشایر، واقع در شمال غربی انگلیس عبور می‌کند، به احتمال زیاد در محدوده یکی از دوربین‌های مداربسته بی‌شمار و متعددی قرار می‌گیرد که از دحام‌شان از دحام شاخ و برگ درختان سبز و انبوه اطراف ساختمان هم بیشتر است. همچنین، حصار امنیتی این خانه، اعم از سیم‌های خاردار و حفاظ‌های آهنین بالا فته از دیوارهای بلند، این تصور را به ذهن هر رهگذری متبادر می‌کند که در مقابل یکی از اماکن مهم نظامی انگلیس یا یک مرکز تحقیقاتی فوق سری و محرمانه قرار دارد. اما باید بگوییم این تصویری باطل است. این کاخ مجلل، محل اسکان خانوادگی دنیس کوتس، ثروتمندترین زن بریتانیاست که بنا دارد در پس این حفاظت سنگین رمز و راز امپراطوری بزرگ قمار خود را پنهان کند.

زمانی که از کاخ مجلل کوتس حرف می‌زنیم، نباید ذهن‌تان به سمت خانه‌های پر زرق و برق و بزرگ مرسوم در کشورهای دیگر اروپایی یا آمریکا سفر کند، بلکه باید یک کاخ انگلیسی را در ذهن‌تان تصویر کنید. شاید باور کردنی سخت باشد اما کاخ کوتس بیش از ۵۲ هکتار مساحت دارد. به علاوه، در این کاخ از درب پارکینگ



دربانی که برای عبور و مرور ساکنان مرتب از جایش بلند شود و لنگه‌های سنگین در باز و بسته کند، خبری نیست چرا که ساکنان این خانه به‌طور معمول بسا هلی‌کوپتر عبور و مرور می‌کنند و حتی مهمان‌های مرموز این خانه هم برای حضور در کاخ کوتس با هلی‌کوپتر در پس دیوارهای بلند این کاخ فرود می‌آیند. بر اساس نقشه‌های معماری و اطلاعات تکمیلی این کاخ که به دست رسانه‌های انگلیسی نظیر گاردین افتاده است، در این کاخ با نظم خاصی پارک شده‌اند، زمین تنیس لوکس که کنار دریاچه با وسواس و طراحی خاصی پارک شده‌اند، زمین تنیس خاکی، اصطبل اسب و اسب‌های اصیل و جنگلی انبوه که خانه‌ای درختی در دل آن جا گرفته و با زیپ‌لاین می‌شود از آن تا پای دریاچه آمد، وجود دارد. صاحب این مجموعه، ثروتمندترین زن بریتانیا، مغز متفکر و رئیس تیمی متشکل از چند میلیارد است که امپراتوری قمار آنلاین «بت ۳۶۵» را هدایت می‌کند. شهرت کوتس به حدی است که یکی از کارشناسان می‌گوید حتی افراد صاحب‌نام و فعال در صنعت قمار هم به ندرت در گفت‌وگوهای روزمره‌شان به نام بت ۳۶۵ اشاره می‌کنند و اغلب آن را دستگاه دنیس می‌نامند. آلون باودن، محقق صنعت قمار می‌گوید: «این نشان‌دهنده وضعیت افسانه‌ای او بین رقیبا و فعالان

اعتصاب ده‌ها هزار کارگر در بنادر آمریکا

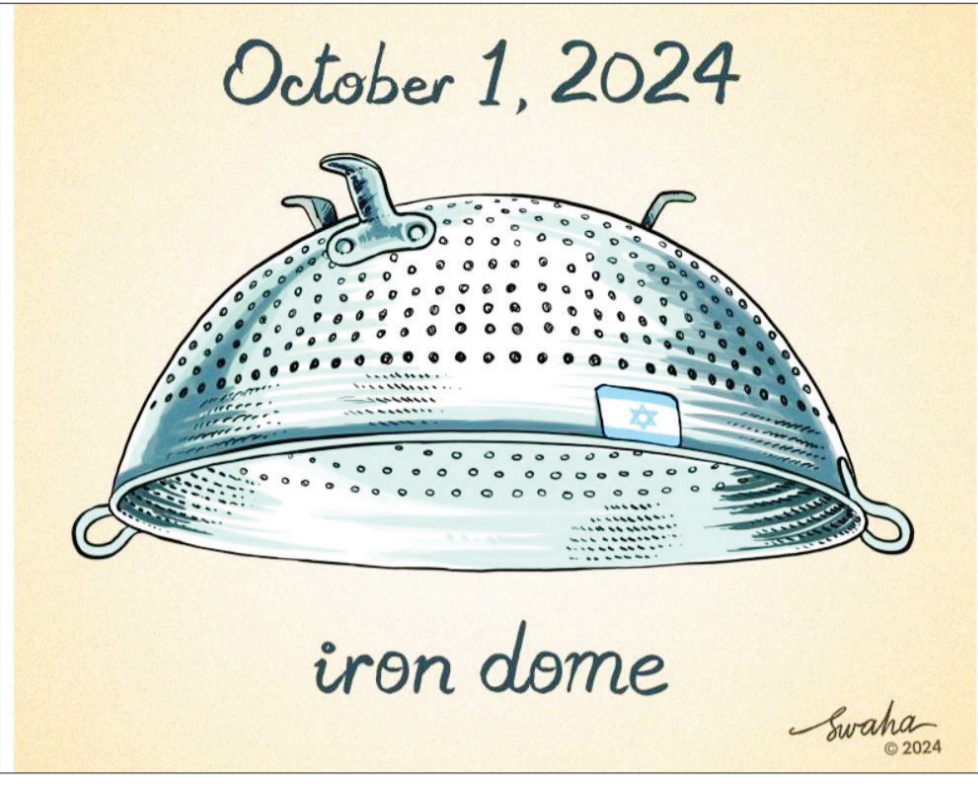
کارشناسان از ضرر میلیارد دلاری این کشور می‌گویند

رامتین لطیفی | هزاران نفر از کارگران بارانداز و کارگران دریانوردی آمریکا به‌طور رسمی اعتصاب کرده‌اند. این وقعه کاری می‌تواند به شکل قابل توجهی اقتصاد آمریکا را مختل کند. این اعتصاب پیامد عدم توافق بین «انجمن بین‌المللی کارگران بندر» و «اتحادیه دریانوردی ایالات متحده» صورت گرفته است. «انجمن بین‌المللی کارگران بندر» بزرگ‌ترین اتحادیه آمریکای شمالی است که حدود ۸۵ هزار کارگر دریانوردی را نمایندگی می‌کند. این اتحادیه با پیشنهاد مقابل «اتحادیه دریانوردی ایالات متحده» مخالفت کرده است. مقامات می‌گویند اتحادیه دریانوردی ایالات متحده که کارفرمایان صنعت دریانوردی ساحل شرقی و ساحل خلیجی آمریکا را نمایندگی می‌کند، چندین پیشنهاد در رابطه با دستمزدها ارائه کرده است. اتحادیه دریانوردی ایالات متحده ساعاتی قبل از پایان ضرب‌الاجل شنبه در بیانیه‌ها گفت: «پیشنهاد ما این است که دستمزدها حدود ۵۰ درصد افزایش پیدا کنند، سهم کارفرما در پرداخت حق بازنشستگی کارمندان سربار شود، فاصله خدمات بهداشتی گسترش یافته و رویکرد دفاعی اتحادیه در قبال انوماسیون و اتوماسیون جزئی حفظ شود.»

گروه مالکیت بنادر افزود امیدوار است پیشنهادات اتحادیه باعث از سرگیری مذاکرات جمعی در دیگر موارد شود تا طرفین بتوانند به توافق برسند. پیشنهاد ارائه‌شده با برخی از خواسته‌های رهبری انجمن بین‌المللی کارگران بندر مطابقت داشته اما اتحادیه با این پیشنهاد مخالفت کرده است. انجمن در بیانیه‌ای در ۳۰ سپتامبر خطاب به مطبوعات نوشت که اتحادیه «با رد درخواست انجمن در رابطه با تنظیم یک قرارداد منصفانه و مناسب باعث شده که توافق برسر قرارداد پایه راه به جای نبرد و انجمن قصد دارد در تمام بنادر از مین تا تگزاس دست به اعتصاب بزند.» این اولین اعتصاب انجمن

نیویورک پست مانند سایر روزنامه‌های دست‌راستی آمریکا سعی کرده موفقیت عملیات موشکی ایران را زیر سوال ببرد و با توسل به دروغ، از موفقیت پدافند هوایی اسرائیل داستان‌سرایي کند.

کیند آمین و سایر پدافندهای هوایی اسرائیل که این رژیم به کارآمدی آن ایمان کامل داشت، در مقابل موشک‌های ایرانی تنها نقش تماشاگر را داشت و شبیه همین آبکشی شد که در تصویر می‌بینید. کار تونی از کار تون مومونت



سایت‌نگار

زمین‌های باز بود که آنها را در برابر دفاع اوکراین روز سه‌شنبه، تصاویری را به اشتراک گذاشتند که نشان می‌دهد تانک‌های روسی در شعله‌های آتش در مزارع می‌سوزند. الکساندر کوالانکو، یک تحلیلگر نظامی اوکراینی گفت که حدود ۲ تا ۳ هزار سرباز روسی در این شهر هستند و از سه جهت مختلف حمله می‌کنند. کوالانکو به رویتز گفت: «ما نمی‌توانیم در این شرایط در شهر ووهلدار مقاومت کنیم. تصمیم برای عقب‌نشینی از ووهلدار باید به سرعت اتخاذ شود.» به دست آوردن تسلط کامل بر ووهلدار، به سربازان مسکو این امکان را می‌دهد تا با استفاده فعال تر از ششک ریلی، تدارکات و پشتیبانی خود را بهبود بخشند و از موقعیت مرتفع این شهر برای شلیک توپخانه استفاده کنند. (یورونیوز)

دست‌کم ۱۴ کشته در ارتش اسرائیل در درگیری‌های زمینی با نیروهای حزب‌الله
منابع اسرائیل در گفت‌وگو با شبکه اسکای نیوز عربی اذعان کردند که ۱۴ نظامی این رژیم در درگیری زمینی با رزمندگان حزب الله لبنان در منطقه مرزی جنوب لبنان کشته شدند. شبکه المنار نیز از درگیری رزمندگان حزب‌الله با نظامیان اسرائیلی که به شهرک از سمت شرقی «مارون الرأس» نفوذ کرده‌اند، خبر داد و افزود که در این درگیری یک افسر صهیونیست به هلاکت رسید. پیشتر نیز منابع اسرائیلی اذعان کردند که ۴ نظامی در کمین که حزب‌الله در منطقه «العديسه» واقع در جنوب لبنان ایجاد کرده بود، کشته شده و بیش از ۲۰ نفر دیگر زخمی شده‌اند. عملیات حزب‌الله در پاسخ به جدیدترین تجاوزگری رژیم اسرائیل به لبنان صورت گرفت. جنگنده‌های اسرائیلی صبح روز چهارشنبه مناطق الخیام، کفر کلا سهل مرجعین در لبنان را بمباران کردند. ساختن‌های مسکونی در منطقه ضاحیه جنوب بیروت نیز تا کنون هفت بار از سوی رژیم صهیونیستی بمباران شد. (ایرنا)

پیش‌بینی فروش ۱۴۰ میلیون دلاری برای «جوکر: جنون مشترک» در هفته اول

فیلم «جوکر: جنون مشترک» به کارگردانی تاد فیلیپس بر اساس آخرین برآوردها ۱۴۰ میلیون دلار در افتتاحیه جهانی فروش خواهد کرد. ددلاین گزارش داده است که این فیلم شبه‌موزیکال در سه روز اول اکران در ۴۰۰۰ سالن سینما حدود ۵۵ تا ۶۰ میلیون دلار در ایالات متحده و ۱۴۰ میلیون دلار در سراسر دنیا فروش خواهد کرد. قسمت اول جوکر در سال ۲۰۱۹ پیش از ۱ میلیارد دلار فروخت و ۱۱ نامزدی اسکار دریافت کرد. برای قسمت دوم در ابتدا افتتاحیه داخلی ۷۰ میلیون دلاری پیش‌بینی می‌شد اما قسمت اول در سه روز اول اکران فروش داخلی ۸۰ میلیون دلاری و فروش جهانی ۱۵۵ میلیون دلاری را ثبت کرده بود. «جوکر ۲» با بودجه بیش از ۱۹۰ میلیون دلاری تولید شده و فروش ۱۴۴ میلیون دلاری برای بردارن وارتن به ویژه در ماه اکتبر دستاورد فاجعه‌باری نیست. این دنباله مانند قسمت قبلی اولین بار در جشنواره ونیز اکران شد و امتیاز ۶۲ درصد «راتن تومیتوز» دریافت کرد. مخاطب اصلی «جوکر ۲» مردان زیر ۲۵ ساله و زنان بالاتر از ۲۵ ساله است. لیدی گاگا اکتبر سال ۲۰۱۸ فیلم «ستاره‌های متولد شده است» را در سینماهای آمریکای داشت. آن فیلم ۴۲/۹ میلیون دلاری در هفته اول فروخت و نامزد اسکار شد. این خواننده آلبوم ضمیمه‌ای به همراه «جوکر ۲» منتشر خواهد کرد که اثری جدازت ساوند ترک فیلم است. اکران «جوکر: جنون مشترک» در ۱۴ بازار بین‌المللی از جمله فرانسه و ایتالیا از روز چهارشنبه شروع خواهد شد و پنجشنبه ۱۳ اکتبر به ۴۵ کشور دیگر از جمله آلمان، برزیل و استرالیا می‌رود.

در می‌آورند و پرچم دیگری را نیز روی یک برجک فلزی می‌گذارند. ویدئوهای دیگر نیز زبانه‌های دود بر فراز خرابه‌های این شهر کوچک و معدن خیز را به تصویر می‌کشد. این شهر در دو سال و نیم گذشته شاهد نبردهای شدیدی بوده و نیروهای اوکراینی با موفقیت توانسته بودند از آن در برابر حملات یگان‌های زرهی روسیه دفاع کنند.

اهمیت راهبردی «ووهلدار» چیست و روسیه چگونه به آن رسید؟
شهر «ووهلدار» به دلیل موقعیت مرتفع و نزدیکی به محل تقاطع دو جبهه اصلی جنگ در شرق و جنوب اوکراین از اهمیت استراتژیک برخوردار است. نیروهای روسی هفته گذشته به حومه این شهر رسیدند و در روزهای اخیر فشارهای تهاجمی خود را تشدید کردند. آندری نازارنکو، فرمانده گردان پهبادی تیپ ۷۲ مکانیزه اوکراین که وظیفه دفاع از ووهلدار را بر عهده دارد اظهار داشت که نیروهای آنها هم از نظر تسلیحات و هم از نظر نیروی انسانی در وضعیت نامناسبی در مقایسه با قوای روس قرار دارند. نازارنکو به رویتز گفت «وضعیت در ووهلدار بسیار چالش‌برانگیز است؛ با سخت‌ترین شرایط مواجه هستیم؛ زیرا حملات روسیه به این شهر بیش از شش ماه ادامه داشته و دشمن به‌طور مداوم نیروهای تازه‌نفس آموزش دیده می‌فرستد.» نازارنکو که از یک مکان نامشخص و از طریق نورافزار روم با رویتز مصاحبه می‌کرد، گفت یگان او تمام تلاش خود را برای حفظ «روزنه‌ای» برای عقب‌نشینی پیاده‌نظام از شهر به کار می‌بندد.

سقوط «ووهلدار»؛ نیروهای روسی به قلب سنگر راهبردی اوکراین رسیدند
فرماندار منطقه دوتسک اوکراین روز سه‌شنبه یکم اکتبر ۱۰ مهر) اعلام کرد که نیروهای روسیه تا مرکز شهر «ووهلدار» پیشروی کردند. این شهر از زمان آغاز جنگ، همچون دژی مستحکم در ارتفاعات راهبردی شرق اوکراین در برابر حملات روسیه مقاومت کرده بود. ویدئوهایی که در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده، نشان می‌دهد سربازان روسی پرچمی را بر فراز تانک‌ها و خودروهای زرهی در حال حرکت در

۲۰ کشته در آتش‌سوزی اتوبوس مدرسه در بانکوک

حادثه روز

به گفته مقامات دولتی و امدادگران در تایلند، بر اثر آتش گرفتن اتوبوسی حامل دانش‌آموزان و معلمان در حومه بانکوک، پایتخت این کشور، بیش از ۲۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند. کثرت یافت، از مقامات ارشد پلیس تایلند، گفت این حادثه روز سه‌شنبه ۱۰ مهر در حومه شمالی بانکوک روی داده است. اتوبوس حامل ۳۹ دانش‌آموز و شش معلم بود و هنگام بازگشت از سفر به یکی از نواحی مرکزی کشور دچار حریق شد. آتش‌سوزی حدود ظهر به وقت محلی گزارش شد و کمتر از یک ساعت بعد از رسیدن واحدهای امداد به محل حادثه مهار شد. ولی به دلیل احتمال وقوع انفجار گاز طبیعی در مخزن سوخت اتوبوس مأموران امداد تا ساعات بعد نتوانستند وارد خودرو شوند. تحقیقات برای شناسایی هویت قربانیان ادامه دارد و پلیس اعلام کرده هنوز سرنوشته سه معلم و ۲۰ دانش‌آموز مشخص نشده است. دلیل آتش گرفتن اتوبوس هنوز روشن نیست ولی پلیس بر مبنای تحقیقات اولیه حدس می‌زند که ترکیدن یکی از تایرها جرقه‌هایی ایجاد کرده و سپس آتش در سراسر اتوبوس گسترش یافته است. پلیس افزود هیچ خودروی دیگری در این حادثه دخالت نداشته است. (فرانسه ۲۴)

نیوزون

شوکت حاجت



در باره شروع همکاری با شکرستان، از همان اوایل شروع این مجموعه که به حدود ۲۰ سال پیش برمی‌گردد، گویندگی این کار با حضور هنرمندان بزرگ دوبله از جمله آقای مرتضی احمدی در استودیوی سیکات در پل رومی انجام شد. استودیوی که فضای خاطر انگیزی داشت و دوران بسیار خوبی بود و خاطرات بسیار خوبی از این مجموعه در آنجا داریم. الان کمی فضای تغییر کرده آن موقع اغلب همه با هم بودیم و فضای کار بهتر بود. هر کسی از قدیم من را می‌بیند به یاد خاطرات این مجموعه می‌افتد. تقریباً نیمی از هنرمندان این مجموعه دیگر در میان ما نیستند و از این بابت غصه می‌خورم.

ایستنا ۱۰ مهر

سیمیا خضر آبادی



با بازی در ابر می‌بارد می‌خواستیم دینم را به شهدای مدافع سلامت به‌ویژه نرجس خانعلی زاده ادا کنیم که با تغییرات فیلمنامه و اتفاقات دیگر، این آرزو محقق نشد. ابتدا سریال به شکل دیگری نوشته شده بود اما با تغییراتی که کرد و آنگونه که می‌خواستیم، نتوانستیم با بازی در نقش نرجس دینم را به این پسر شهادت ادا کنیم. بعد از بچه مهندس ۴، از آنجایی که بازی‌ام را دیده بودند و من هم فیلمنامه را دوست داشتم، برای ایفای نقش در ابر می‌بارد انتخاب شدم اما از نظر اجرایی انتظار بیشتری داشتم. معتقدم که یک بازیگر باید گزیده کار باشد و بهترین نقش‌ها را بازی کند.

ایستنا ۹ مهر

عباس محبی



رادیو هنوز در سپهر رسانه می‌درخشد و بر این باورم رادیو مرشد همه رسانه‌هایی است که تا به حال متولد شده‌اند. همان‌گونه که مرید به مرشدش برای راهگشایی و تداوم باشد، محدودیت‌ها کمتر می‌شود، سلاقی بیشتری کار می‌کنند، مردم و تماشاگرها هم حق انتخاب بیشتری دارند و این به رونق سینما کمک می‌کند. بازیگر هر جایی که فکر می‌کند می‌تواند متمرکز باشد، کار را جلو ببرد و به دردی بخورد، باید حضور داشته باشد، کارش را انجام دهد، تجربه کند و لذتش را ببرد. هر کاری سختی‌های خودش را دارد و شاید یک وقتی، یک فیلم کوتاه از یک فیلم بلند هم سخت‌تر و پرفشارتر باشد.

باشگاه خبرنگاران جوان ۶ مهر

حمیدرضا پگاه



در مورد سینما، امیدوارم هر کسی دلش بخواهد فیلم بسازد، بتواند بسازد و همه فیلم‌ها هم اکران شوند و مردم انتخاب کنند چه چیزی را ببینند. هر چقدر فضای کاری وسیع‌تر باشد، محدودیت‌ها کمتر می‌شود، سلاقی بیشتری کار می‌کنند، مردم و تماشاگرها هم حق انتخاب بیشتری دارند و این به رونق سینما کمک می‌کند. بازیگر هر جایی که فکر می‌کند می‌تواند متمرکز باشد، کار را جلو ببرد و به دردی بخورد، باید حضور داشته باشد، کارش را انجام دهد، تجربه کند و لذتش را ببرد. هر کاری سختی‌های خودش را دارد و شاید یک وقتی، یک فیلم کوتاه از یک فیلم بلند هم سخت‌تر و پرفشارتر باشد.

خبر آنلاین ۱۱ مهر

محمد حاتمی



ایده اصلی برنامه «سرگیجه» در اتاق فکر مجموعه دیبا فیلم طراحی شده و مشابه خارجی ندارد. ما تقریباً در هر فصل تمام چالش‌های برنامه را تغییر می‌دهیم، مگر چالش‌هایی که مطمئن باشیم تکرارشان باز هم جذاب است اما در همین چالش‌ها هم تغییراتی را در جزئیات مشاهده خواهید کرد چرا که حس می‌کنیم مخاطب وقتی متوجه شود که تیم سازنده برایش احترام قائل شده و سعی کرده بهترین خودش را ارائه دهد، حتماً با اثر همراهی بیشتری خواهد داشت و جواب این احترام را به ما برمی‌گرداند. در این برنامه سعی کردم به شرکت‌کننده‌ها توصیه کنم که گویی در فضای دوستانه خودشان حضور دارند و راحت باشند.

ایستنا ۹ مهر

باران خوشبختی

سریال «گردن زنی» همه داشته‌های خود را در قسمت اول خرج کرد! این سریال در آغاز راه، روایت زندگی یک عروس و داماد را محور قرار داد که در میانه جشن شاد، به قتل رسیدند! نقش عروس خانم را الیکا ناصری بازی کرد که از قضا عملکردش از معدود اتفاقات خوب «گردن زنی» بود. او سهمی اندک از سریال داشت اما کوتاهی نقش مانع از حجم بالای تحسین‌ها نسبت به بازی‌اش نشد. بازگشت تصویری باورپذیر از شخصیت باران، عروس شاداب و زیبایی قصه ارائه کرد و در سکانس وحشت، از جان مایه گذاشت. نکته ویژه اینکه الیکا ناصری در «گردن زنی» تفاوتی محسوس با آثار پیشین داشت؛ یعنی دیگر دختری نوجوان نبود بلکه شمایل یک جوان را بر تن کرد که سودای آینده داشت. رفتار و گفتارش برای نسل جدید قابل باور بود و همین چیزها است که عملکردش در «گردن زنی» را واجد تمجید کرده. ناصری سال پیش با «مرداب» مورد قضاوت قرار گرفت؛ سریالی که در آن نقشی مفصل داشت و از عهده کار برآمد. با این همه نتوانست موفقیتی همایی «یاغی» را تکرار کند. ناصری در «یاغی» به اوج محبوبیت رسید و همزمان خیلی‌ها یادشان آمد او همان دخترکی است که پیش‌تر در چند فیلم و سریال حضور داشته.



چهره هفته

الیکا ناصری

این فیلم‌ها را ببینید

تعقیب سرد / پنجشنبه / ساعت ۲۲:۳۰ / شبکه فراتر

کارگردان: هانس پیتر مولند
تهیه کننده: فین ژردروم
نویسنده: فرانک بالدوین
بازیگران: لیام نیسون، تام بنمن، لورا درن
و مایکل ریچاردسون
محصول: آمریکا / ۲۰۱۹

نلس یک راننده بر فرورب سختکوش است که عامل حیاتی یکی از شهرهای تفریحی و پرزرق و برق محسوب می‌شود؛ او تنها کسی است که جاده‌های زمستانی را همواره تمیز و باز نگه می‌دارد. او و همسرش در حال کابین راحت و به دور از تمامی توریست‌ها زندگی می‌کنند. این در حالی است که نلس به تازگی جایزه شهروند سال را از اهالی شهر دریافت کرده است. اما هنگامی که پسر او توسط یک سلطان مواد مخدر قدرتمند به قتل می‌رسد، باید زندگی آرام خود را رها کند و به دنبال انتقام برود.

کودک قهرمان / جمعه / ساعت ۱۷:۳۰ / شبکه امید

کارگردان: کمال تبریزی
تهیه کننده: سعید حاجی میری
نویسنده: کمال تبریزی
بازیگران: جهانگیر الماسی، فریبا کوثری، امیر اسماعیلی، مریم بنی‌عامریان
محصول: ایران / ۱۳۷۲

خانواده‌ای روستایی که در حال ساختن خانه نوساز خود هستند، با حمله دشمن روبه‌رو می‌شوند. مردم به تدریج مجبور به ترک خانه و زندگی خود می‌شوند و خانواده روستایی نیز خانه نوساز خود را ترک می‌کنند. دشمن جاده اصلی را در اختیار دارد و مردم به ناچار از جاده اصلی منحرف می‌شوند و به میان دشت می‌روند. اتومبیل خانواده در راه خراب می‌شود و آنها ناگزیر شب را در دشت می‌گذرانند. نیمه شب گرگ گرسنه به آنها حمله می‌کند و پدر، گرگ‌ها را می‌کشد. صبح روز بعد پدر اسلحه را به پسر نوجوانش می‌سپارد...

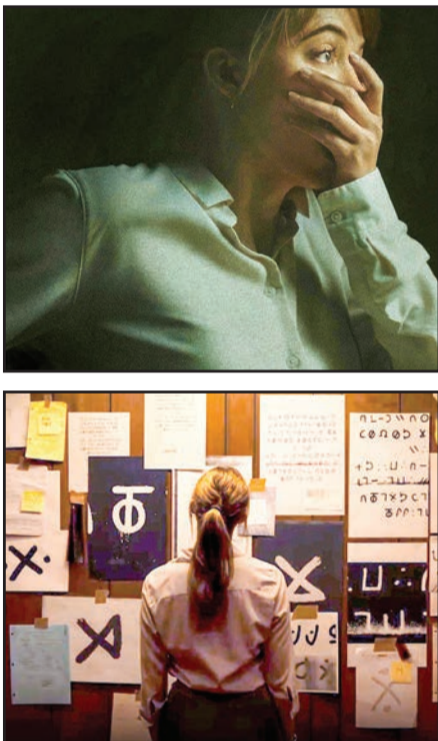
منصور / جمعه / ساعت ۱۳:۳۰ / شبکه تهران

کارگردان: سیاوش سرمدی
تهیه کننده: جلیل شعبانی
فیلمنامه: سیاوش سرمدی
بازیگران: محسن قصابیان، مهدی کوشکی، جواد هاشمی
محصول: ایران / ۱۳۹۹

این فیلم که اولین تجربه کارگردانی سیاوش سرمدی در سینمای داستانی است، درباره شهید ستاری است که با جدیت به دنبال هوایمهای جنگی است تا بتواند رزمندگان را تجهیز کند. در ابتدا آن‌ها با کارخانه ساخت هوایمها همکاری می‌کردند و صرفاً قطعات وارد شده از خارج کشور را مونتاژ می‌کردند. اما آن کارخانه با کارشناسی هایش باعث شد و حتی توقف کار آنها و نرسیدن هوایمها به خلبانان ارتش شده بود. تیمسار ستاری و تیمش ابتدا برای وارد کردن چند هوایمهای جنگی اقدام کردند که به خاطر حمله آمریکایی‌ها به هوایمها و بمباران آنها، با شکست مواجه شد.

پیشنهاد ویژه هفته

پادراز | فیلمی، فیلمت



نمای کلی

کارگردان: آرز پرکینز
نویسنده: آرز پرکینز
تهیه کننده: نیکلاس کیچ
بازیگران: مایکا مونرو، نیکلاس کیچ، بلیز آندروود، آلیشیا بیت، میشل چوی لی
محصول: آمریکا / ۲۰۲۴
زبان: انگلیسی / زیرنویس، دوبله
زمان: ۹۹ دقیقه

درباره فیلم

این پیشنهاد، مخصوص آنهایی است که علاقه ویژه‌ای به فیلم‌های ژانر وحشت دارند و از تجربه ترس در مواجهه با یک داستان پیچیده و پررمزوراز لذت می‌برند! فیلم «پادراز» توسط کارگردانی ساخته شده که پیش از این با کارگردانی سه فیلم ترسناک «دختر بلک‌گت»، «هن موجود زیبایی هستم که در خانه زندگی می‌کند» و «گرتل و هانس» حسابه به چهره‌های شناخته شده در میان علاقه‌مندان سینمای وحشت تبدیل شده بود. فیلم «پادراز» که نیکلاس کیچ با کمپانی تولیدی‌اش یکی از تهیه‌کنندگان آن هم هست، مورد تحسین عموم منتقدان قرار گرفته و در گیشه هم با فروشی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار تا امروز پرفروش‌ترین فیلم مستقل سال ۲۰۲۴ به شمار می‌رود. کارگردان فیلم فرزند آنتونی پرکینز است که پیش‌تر نقش قاتل را در «روانی» اثر آلفرد هیچکاک ایفا کرده بود.

درباره داستان

دختری در ایالت اورگن دهه ۱۹۷۰ با دوربین پولارویدش صدای مرموزی را دنبال می‌کند و در نهایت با مرد عجیب و غریبی روبه‌رو می‌شود. دو دهه بعد یک مأمور اف‌بی‌آی به نام لسی‌هار که کرک نشانه‌هایی از ادراک فراسوی دارد از سوی مافوق خود مأمور بررسی پرونده‌ای از قتل خودکشی‌های زنجیره‌ای می‌شود. هر پرونده شامل پدری می‌شود که خانواده و خودش را به قتل رسانده است و نام‌های را به جا گذاشته که اعضای شیطانی «پادراز» را دارد؛ و البته دست خط نامی به هیچ‌یک از اعضای خانواده تعلق ندارد. لی به این موضوع پی می‌برد که هر خانواده یک دختر ۹ ساله دارد که روز چهاردهم ماه به دنیا آمده و همه قتل‌ها شش روز قبل یا بعد از روز تولد دختر روی داده‌اند. لسی، روزی کارت تولدی رمزین از پادراز دریافت می‌کند!

واکنش منتقدان

معمولاً فیلم‌های ژانر وحشت، چندان منتقدان را سر ذوق نمی‌آورد اما این فیلم حساسی مورد توجه قرار گرفته است. تیم رویی منتقد «انگلر» درباره آن نوشته است: «تقریباً هر دوسه سال یک بار فیلم ترسناک به خوبی پادراز خلق می‌شود. این فیلم احتمالاً ترسناک‌ترین بازی کارنامه نیکلاس کیچ را در خود جای داده است.» منتقد لس آنجلس تایمز هم معتقد است: «تنش فیلم هرگز برای لحظه‌ای کاسته نمی‌شود؛ البته فیلم به طنز سیاه و خشکی آغشته شده که خودش تا حدی همه چیز را آزاردهنده‌تر کرده است.» اسکرین دیلی هم درباره آن نوشته است: «فیلم‌های ترسناک بی‌شماری حس ترس را خلق می‌کنند اما معدودی از آن‌ها می‌توانند شرم ملموسی را احضار کنند که در پادراز شاهدش خواهید بود.» منتقد هالیوود ریپورتر هم تأکید دارد این فیلم «دای دینی تمام‌عیار به فیلم سکوت بره‌ها» است.

تلخی از حد گذشت

رسانه سینما ۱۲۰ نوشت: این روزها شاهد چند سریال در شبکه خانگی و تلویزیون هستیم که تماشای آنها نتیجه‌ای جز غم و غصه به همراه ندارد. حتماً بخشی از آثار هنری، بازی‌تاب وضعیت جامعه هستند. کسی هم از هنرمندان انتظار ندارد خلاف جهت آب شنا کنند. ولی دوستان، کمی آهسته‌تر لطفاً. محض خداوندی به فکر روان ما باشید. می‌دانیم شما «همراه» مردم هستید و هدف‌تان از ساخت سریال صرفاً پر کردن جیب مبارک نیست! می‌دانیم نیت‌تان آسیب‌شناسی است ولی باور کنید خود ما از مصائب مطلعیم و خواهش می‌کنیم اندکی بی‌خیال رسالت هنری‌تان شوید. «دار یوش» یک غم‌نامه مفصل از بدبختی آدم‌ها است؛ کسانی که حتی حیثیت خود را به حراج گذاشته و برای یکدیگر دندان تیز کرده‌اند. در «گردن زنی» بعد از آن قتل فجیع، آدم‌ها جز پر خاش، زبانی دیگر نمی‌دانند. «طوبی» غم و بدبختی را به نهایت رسانده؛ از نمایش صحنه فرزندکشی و اعدام تا وضعیت اسفناک زندانی‌ها.



ترین‌های هفته

تعویق هفته | زودباز دیرتر می‌آید

فعالیت سینماهای ایران از روز چهارشنبه ۱۱ مهر به جریان افتاد و ممنوعیتی برای نمایش آثار کم‌دیدی وجود ندارد. با این حال اکران فیلم «زودباز» به کارگردانی رامبد جوان یک هفته به تعویق افتاده است. این امر به دلیل داشتن فرصت مناسب برای انجام کارهای تبلیغاتی انجام شده است. میثم نورانی، مدیر دفتر بخش فیلمبردار در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرده: «فیلم «زودباز» احتمالاً از نیمه هفته آینده در سینماها اکران خواهد شد.» ساخته رامبد جوان یک کم‌دیدی با بازی محسن تنابنده و نوید محمدزاده است که بازیگران دیگری همچون محمود جعفری، گلاره عباسی، روزبه حصار و سانی حاجی‌پور در آن بازی کرده‌اند.

درخواست هفته | پیر پسر اکران شود

اکتای براهنی، کارگردان فیلم «پیر پسر» از مشکلاتی که سینمای ایران به دلیل طولانی بودن تأیید فیلم برای اکران آن سر راه او قرار داده، گلایه کرده و از سینماگران خواسته یک‌بار اجازه دهند فیلمی که در جشنواره‌های جهانی با استقبال زیادی روبه‌رو شده و تحسین منتقدان را برانگیخته است، با وجود زمان طولانی‌اش اکران شود. «پیر پسر» دومین فیلم اکتای براهنی بعد از «پل خواب» است. او در این فیلم نگاهی آزاد به برخی آثار مهم فئودور داستایفسکی داشته است. «پل خواب» با بازی حسن پورشیرازی، لیلیا حاتمی، حامد بهداد، محمد ولی‌زادگانه و محمدرضا داوودنژاد، بهترین فیلم کارنامه براهنی به حساب می‌آید.





دست از سر نیل بدبخت بردارید!

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال، باشگاه پرسپولیس را به دلیل جعل مدارک نیل باهووی و ارسال آن به ایفمارک و سسازمان لیگ یک میلیارد تومان جریمه کرده است. درباره اینکه آیا این جریمه متناسب با تخلف بوده و بازدارنده هست یا نه، باید بحث کرد اما نکته عجیب درباره این اتفاق، حمله برخی رسانه‌ها به این مهاجم سوندی است. آنها با تیتزهایی مثل «باهووی که بود و چه کرد؟»، «خرید تاثیرگذار پرسپولیس» و … به نوعی شخص نیل باهووی را مقصر تمام این اتفاقات معرفی کرده‌اند. اما آیا این واقعیت است؟ اینکه هنوز جذب این بازیکن ضعیف برای باشگاه پرسپولیس تبعات منفی دارد، تقصیر اوست؟ نه اساتید! اشتباه نکنید. مقصر اصلی تمام خساراتی که پرسپولیس بابت جذب باهووی متحمل شده، شخص مدیرعامل این باشگاه یعنی رضا درویش است. حتما به خاطر دارید که او این بازیکن ضعیف را به پنهان کمبود بودجه، با تشخیص خودش به پرسپولیس آورد و به پجی گل محمدی معرفی کرد. او مدعی بود که با پولی که باشگاه داشت، نمی‌شد مهاجم بهتری خرید. اما خریدهای باشگاه‌های دیگر در همان فصل و فصل جاری نشان داد که جناب مدیرعامل اشتباه کرده و باید اشتباهش را بپذیرد. واقعا اینکه باهووی با پیشنهاد پرسپولیس مواجه شده و آن را پذیرفته، تقصیر اوست؟ مگر او مدیران پرسپولیس را مجبور یا تهدید کرده بود که جذبش کنند؟ اینکه بعضی نفرت در کادر پزشکی باشگاه جعل می‌کنند، مقصرش این بنده خداست؟ آدرس غلط ندهید دوستان! او مدت‌هاست از ایران رفته و در گوشه‌ای نان و ماستش را می‌خورد و شاید از این ماجرای آخر خیر هم ندارد. پس بروید و بقیه مقصران واقعی را بگیرید.

خاموشی بی‌موقع خارجی‌های استقلال

بازیکنان خارجی تیم نکونام، در برابر السد ضعیف‌تر از همیشه ظاهر شدند

تیم‌های ایرانی در بازار نقل‌وانتقالات تابستانه به دنبال تقویت فهرست تیم خود با جذب بازیکن خارجی بودن و استقلال و پرسپولیس در کنار سپاهان و تراکتور، با توجه به حضورشان در مسابقات آسیایی، با نگرشی ویژه و پروژه جذب بازیکن خارجی را دنبال می‌کردند. در این میان، عملکرد آبی‌پوشان در مسیر تقویت فهرست تیم‌شان جالب توجه بود و آنها نه‌تنها موفق به حفظ رافائل سیلوا، جلال‌الدین ماشاربیوف و گوستاوو بلانکو شدند، بلکه توانستند ۲ بازیکن خارجی هم به خدمت گیرند.

دیدیه اندونگ در کنار گائل کاکوتا، ۲ خرید خارجی استقلال در بازار نقل‌وانتقالات تابستانی محسوب می‌شوند و قرار بود آبی‌ها یک خرید خارجی دیگر هم برای تقویت خط حمله تیم‌شان داشته باشند که این پروژه به سرانجام نرسید؛ البته که احتمال جذب مهاجم خارجی بعد از انتخاب سرمربی جدید، دور از ذهن نیست. در این میان باید اشاره داشت که بازیکنان خارجی استقلال در فصل جدید نتوانستند انتظارات را برآورده کنند و در مسیر خروج تیم‌شان از شرایط بحرانی ناموفق عمل کرده‌اند.

رافائل سیلوا

مدافع برزیلی استقلال از هفته نخست جزو چهره‌های موردعلاقه جواد نکونام بود و بازخوانی کارنامه رافائل سیلوا نشان می‌دهد او توانسته در هر ۷ بازی آبی‌ها در فصل جدید لیگ‌برتر و لیگ نخبیگان به میدان برود.

ورزش ایران و جهان

|روزنامه صبح ایران | سال چهاردهم | شماره ۲۸۷۹ | پنجشنبه | ۱۲ مهر | ۱۴۰۲

برای شما که هوادار نیستید، اتفاق بودا

در شماره قبل، درباره مصاحبه عجیب احمد شهرباری مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس مالک باشگاه استقلال نوشتم و انتقاد کردم، اما این مصاحبه آنقدر غیر حرفه‌ای، طلبکارانه و مغرورانه بود که هنوز هم نتوانسته‌ام فراموشش کنم. او در بخشی از این مصاحبه و در پاسخ به سوالی درباره انتقاداتی که هواداران در فضای مجازی از عملکرد او می‌کنند، به عملکرد خودش هم بهترین نمره را داده و گفته بود: «انتقاداتی که از من می‌شود را قبول ندارم. مهم نیست که استقلال در دربی شکست خورده، چون یک اتفاق بود!» قطعاً باخت در دربی برای ایشان چیزی بیشتر از یک اتفاق نبود. چون ایشان هوادار نیستند و فقط و فقط مالک باشگاه هستند. اما همین اتفاق، جان یک هوادار استقلال را که از اهواز به اراک رفته بود تا بازی تیم محبوبش را از نزدیک ببیند، گرفت و خانواده‌ای را داغدار کرد. دوستان در باشگاه اما حتی به خودشان زحمت ندادند یک پیام تسلیت صادر و با خانواده آن مرحوم حتی در ظاهر ابراز همدردی کنند! حتی پیام تسلیت باشگاه رقیب که خیلی هم خیر خواهانه به نظر نمی‌رسید باعث نشد تا مدیران باشگاه به خودشان بیایند و عکس‌العملی نشان بدهند! استاد در یک حرکت منطقی، استعفاي سرمربی تیم را هم در هفته پنجم پذیرفتند چون تغییر مربی در هفته پنجم درست و منطقی است، نه در هفته سوم! همه این اتفاقات و البته ادعای ایشان درباره جذب دو بازیکن بوسنیایی با نظر شخص شخصی خودشان باعث شده تا به این نتیجه برسیم که حتی آمدن بهترین مربی هم باعث نخواهد شد تا مشکلات استقلال حل شود. این خانه از پای‌بستی ویران است و فقط هرس کردن شاخه‌ها دردی را دوا نمی‌کند.



گلزن بدرخشد و نه در نقش گل‌ساز موفق عمل کرده و عمل کرده دور از انتظاری در جمع آبی‌ها داشته است.

گوستاوو بلانکو

بلانکو به مانند فصل گذشته کار خود در استقلال را با مشکلات قراردادی آغاز کرد اما با این وجود، در ۴ مسابقه‌ای که این مهاجم آرزانتینی برای استقلال در فصل جدید (در لیگ برتر و لیگ نخبیگان آسیا) به میدان رفته

دیدیه اندونگ

هافبک گابنی که در بازار تابستانه به عضویت استقلال درآمد، در هفته نخست لیگ‌برتر مقابل شمس‌آذر غایب بود و در هفته دوم هم در قامت یار ذخیره وارد ترکیب آبی‌ها شد. با این وجود، شرایط در ۵ دیدار اخیر استقلال برای اندونگ متفاوت پیش رفته و او عضوی از ترکیب اصلی آبی‌ها بوده و در تمامی دقایق به میدان رفته است. با این وجود، در صد اشتباهات اندونگ در میانه زمین به‌ویژه در دیدارهای اخیر و بالاخص تقابل با السد، افزایش چشمگیری داشته و ستاره گابنی آبی‌ها دور از شرایط آرمانی بوده و نتوانسته در قامت یک ستاره در میانه زمین در ترکیب استقلال بدرخشد.

جلال‌الدین ماشاربیوف

ماشاربیوف در قامت یکی از برترین ستاره‌های تهاجمی فوتبال آسیا به استقلال پیوست و در همان بازی اول‌اش برای آبی‌ها هم موفق به گلزنی شد اما استفاده از او در پست‌های مختلف و البته بعضاً غیر تخصصی، روی کیفیت فنی‌اش اثر گذار بود. اتفاق جالب‌توجه اینکه ماشاربیوف در ۶۲۴ دقیقه از ۶۳۰ دقیقه مدت زمان بازی‌های استقلال در فصل جدید در ترکیب آبی‌ها بوده اما نه توانسته در قامت

پای نکونام در میان است؟

در چرایی نمایش ضعیف خارجی‌های استقلال در بازی مقابل السد، یک فرضیه مهم وجود دارد. منتقدان سر سخت جواد نکونام معتقدند سبک خاص و به شدت دفاعی بازی تیم او و انتظاری که از بازیکنانش دارد، باعث می‌شود تا ستاره‌ها و خارجی‌ها نتوانند انطور که باید و شاید در بازی ظاهر شوند. سند آنها در این ادعا، تفاوت نمایش‌های ماشاربیوف در

مورایس در آسیا؛ «نمی‌بره اما ببره،

خوب می‌بره!»

طلایی‌پوشان اصفهان نتوانستند به جمع تیم‌های سطح اول فوتبال آسیا ملحق شوند و با شکست در مرحله پلی‌آف، به لیگ قهرمانان آسیا ۲ رفتند که در این رقابت‌ها هم شروعی دور از انتظار داشتند و با پذیرش باختی ۲ بر یک مقابل الوحدات اردن، کار خود در فصل جدید رقابت‌های آسیایی را آغاز کردند. شاگردان مورایس در حالی مقابل شباب‌الاهلی و الوحدات در فصل جدید رقابت‌های آسیایی بازنده شدند که در ۳ بازی پایانی‌شان در فصل گذشته مسابقات لیگ قهرمانان آسیا هم سپاهیان‌ها برابر الاتحاد و الهلال (۲ بار) مغلوب شده بودند تا ۵ باخت پیاپی آسیایی در کارنامه طلایی‌پوشان ثبت شود!

همچنان باخت‌های مورایس بر پیروزی‌های آسیایی‌اش می‌چربد!

ژوزه مورایس پیش از آنکه سکان دار سپاهان شود، در قامت سرمربی تیم‌های الشباب عربستان و جنوبک هیوندای موتورز کره‌جنوبی شانس حضور در لیگ قهرمانان آسیا را به‌دست آورد. بازی با استقلال تاجیکستان، بیست‌وششمین تجربه سرمربیگری ژوزه مورایس در مسابقات آسیایی (با احتساب دوئل برگزارنشده مقابل الاتحاد) بود که بازخوانی کارنامه مورایس نشان می‌دهد این سرمربی پرتغالی در ۲۸ مسابقه، ۱۱ بار پیروز شده و ۵ تساوی و ۱۲ باخت هم در کارنامه ژوزه به چشم می‌آید.

برد ۳ گلّه مقابل بیجینگ گوان، بهترین برد آسیایی ژوزه در کره جنوبی

مورایس در دوران حضورش در جنوبک هیوندای موتورز کره‌جنوبی همراه این تیم توانست تا مرحله یک‌هشتم نهایی هم پیش برود. این صعود در فصل ۱۹-۲۰۱۸ به‌ثبت رسید و در مرحله گروهی همان فصل، جنوبوک توانست مقابل بیجینگ گوان بردی ۳ بر یک را به‌دست آورد که این پیروزی برابر حریف چینی، پرگل‌ترین برد آسیایی ژوزه مورایس در دوران حضورش در تیم جنوبوک هیوندای موتورز محسوب می‌شود.

اولمالبیق؛ حریفی که مورایس و سپاهان را فراموش نمی‌کند!

طلایی‌پوشان فصل گذشته در حالی با هدایت ژوزه مورایس توانستند از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا عبور کنند و به جمع تیم‌های شرکت‌کننده در دور حذفی رسیدند که ۲ برد رفت‌وبرگشت مقابل اولمالبیق ازبکستان در ثبت این صعود موثر بود. سپاهیان‌ها در بازی رفت موفق شدند اولمالبیق را در خانه این تیم با نتیجه ۳ بر یک شکست بدهند و در بازی برگشت هم ۲ بر یک تاریخی و ۹ بر صفر مقابل حریف ازبک به‌دست آمد تا بهترین برد تاریخ یک نماینده ایران در تاریخ مسابقات آسیایی به‌ثبت برسد!

استقلال دوشنبه و تحقیر در فولادشهر

بعد از شروع ناموفق فصل جدید رقابت‌های آسیایی و شکست در جدال با الوحدات اردن، شاگردان ژوزه مورایس به دنبال جبران مافات بودند که موفق شدند با ۴ گل از سد استقلال دوشنبه بگذرند و این تیم تاجیکستانی را در ورزشگاه فولادشهر شکست دادند تا چهارمین برد پر گل دوران سرمربیگری ژوزه مورایس در مسابقات آسیا به‌ثبت برسد و این برد باعث قطع نوار ۵ باخت پیاپی طلایی‌پوشان (در لیگ قهرمانان آسیا، پی‌آف لیگ نخبیگان و لیگ قهرمانان آسیا) شد.

منبع:فوتبال ۳۶۰

تخته بازی

گوشه و کنار مستطیل سبز

بارسلونا در پی جذب رایگان نیمار

نیمار، مهاجم برزیلی که پس از یک سال دوری از میدان از چند روز قبل به تمرینات گروهی الهلال عربستان بازگشته بود، شاید با پایان قراردادش با این تیم دوباره به بارسلونا برود. براساس گزارش رسانه خبری بارسلونا؛ خوان لاپورتا (رئیس بارسلونا) می‌خواهد نیمار را پس از پایان قراردادش با الهلال که تنها یک فصل از آن باقی مانده است، به‌خدمت بگیرد، این اتفاق می‌تواند پس از پایان جام‌جهانی باشگاه‌ها در سال ۲۰۲۵ رخ دهد. بارسلونا طبق قانون فیفا می‌تواند در نقل‌وانتقالات زمستان پیش‌رو با نیمار قرارداد رسمی امضا کند و این ستاره برزیلی نیز از چنین حقوقی برخوردار است. قرارداد نیمار با الهلال عربستان تابستان آینده به پایان خواهد رسید و ارزش مالی این بازیکن در سایت ترانسفرمارکت ۳۰ میلیون یورو است. نیمار از زمان پیوستنش به الهلال فقط در ۵ بازی برای این تیم به میدان رفت و پس از آن به‌دلیل پارگی رباط صلیبی در بازی تیم ملی برزیل برابر ارو گوتزه در مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ در کشورش تحت عمل جراحی قرار گرفت.

کناره‌گیری موقت دی‌بروینه و لو کاکو از تیم ملی

منابع بلژیکی دیروز ادعا کرد کوین دی‌بروینه و روملو لو کاکو نیز مثل تیبو کورتوا قصد ندارند تا زمان حضور دومینیکو تددسکو برای بلژیک بازی کنند. و سواً و سودپرس گزارش داده‌اند که دی‌بروینه و لو کاکو در لیست بلژیکی برای دو بازی مقابل ایتالیا و فرانسه قرار نخواهند داشت و این با درخواست خودشان بوده است. هر چند هر دو می‌خواهند تا جام‌جهانی ادامه دهند. آنها قبلاً تصمیم خود را به تددسکو اعلام کرده‌اند و به این ترتیب به کورتوا می‌پیوندند. طبق این گزارش، خداحافظی این دو بازیکن از تیم ملی قطعی نیست و برنامه‌هایشان برای حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ پابرجاست اما استعفای آنها در حالی صورت می‌گیرد که تنش‌های زیادی در تیم ملی وجود دارد و اختلافات بین برخی ستاره‌های تیم و کادر فنی به اوج رسیده است. دی‌بروینه و لو کاکو از قبل تصمیم خود را به سرمربی تیم اطلاع داده‌اند و در دوئل مقابل ایتالیا و فرانسه در لیگ ملت‌ها حضور نخواهند داشت. از زمانی که تددسکو هدایت این تیم را برعهده گرفته، بلژیک همواره در تنش بوده است. جنجال با کورتوا اولین مورد بود و حالا به دی‌بروینه و لو کاکو رسیده است.

جانشین محمد صلاح در دور توموند می‌درخشد

دور توموند در دومین دیدار از مرحله گروهی رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا روبروی سلتیک به میدان رفت و آدیمی در ۴۵ دقیقه اول بهترین بازیکن زمین بود و توانست بهترین و بالاترین نمره را در بین تمامی بازیکنان از روزنامه بیلد بگیرد. او برای اولین بار از زمان حضورش در دور توموند (از سال ۲۰۲۲) موفق شد سه گل با پیراهن این تیم به ثمر برساند و این کار را در لیگ قهرمانان اروپا انجام داد که ارزش و اهمیت بسیاری برای او و تیمش دارد. آدیمی با سرعت دیوانه‌وار و پای چپ قدرتمندش باعث شده است که بسیاری از باشگاه‌های بزرگ اروپایی به صورت جدی به دنبالش باشند. روزنامه بیلد مدعی شده است که باشگاه لیورپول مشتری جدی این بازیکن است و چند استعدایاب و نماینده را بارها به تماشای بازی او فرستاده است. مدیران لیورپول معتقد هستند که آدیمی بهترین گزینه برای جانشینی محمد صلاح است. قرارداد این بازیکن با لیورپول در پایان فصل جاری به اتمام خواهد رسید و به نظر می‌رسد او دیگر تمایلی برای امضای قرارداد جدید نخواهد داشت و به دنبال ترک این باشگاه است. آنها آماده هستند تا ۵۰ میلیون یورو برای جذب آدیمی پرداخت کنند.

غیبت سه مدافع کلیدی استقلال مقابل هوادار

استقلال در بازی با هوادار شرایط عجیبی در خط دفاعی دارد و از ۶ بازیکنی که در پست مدافع وسط به میدان خواهند رفت، سه بازیکن در اختیار کادرفنی قرار می‌گیرد و در صورتی که آنها بخواهند با سیستم سه مدافع به میدان بروند بازیکنی روی نیمکت نخواهند داشت. مدتی قبل آر‌مین سهرابیان به دلیل مصدومیت و مشکلاتی که در ثبت قرارداد بازیکنان استقلال وجود داشت از لیست این تیم و از دسترس کادرفنی آبی‌ها خارج شد. بازی استقلال و السد برای مدافعان استقلال روز خوبی نبود، ایمان سلیمی و روزبه چشمی با مصدومیتی که برایشان ایجاد شد به احتمال زیاد بازی با هوادار را از دست بدهند و در این مسابقه غایب باشند، البته احتمال بازگشت سلیمی وجود خواهد داشت اما مصدومیت چشمی به شکلی است که او حداقل تا بعد از فیفادی غایب خواهد بود. در حال حاضر استقلال محمدحسین مرادمند، سامان فلاح و رافائل سیلوا را در اختیار دارد که فرم ناآماده مدافع برزیلی شاید باعث شود تا سهراب بختیاری‌زاده در اولین حضورش از زوج دفاعی جدیدی در ترکیب استقلال استفاده کند و محمدحسین مرادمند و سامان فلاح را در قلب دفاعی قرار دهد.

دیدار تراکتور – موهون باگان به تعویق افتاد؟

در شرایطی که قرار بود تیم فوتبال تراکتور تیریز از ساعت ۱۹:۳۰ روز چهارشنبه در ادامه دیدارهای مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا ۲ میزبان موهون باگان هند باشد، اعضای تیم هندی به خاطر مسائل امنیتی در حضور در ایران سر باز زدند. پس از مسجل شدن غیبت موهون باگان در دیدار با تراکتور، ناظر این مسابقه از لغو بازی خبر داد و مدیران تراکتور از احتمال ابر صفر شدن دیدار فوق به سود شاگردان دراگان اسکوچیچ خبر دادند. با این حال صفحه شبکه خبری «الکاس» قطر مدعی شد که دیدار تراکتور – موهون باگان با غیبت نماینده هند به تعویق افتاده است. این در شرایطی است که کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) روز گذشته با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد AFC از تمایل موهون باگان برای عدم به سفر به ایران مطلع شده و این موضوع به کمیته‌های مرتبط کنفدراسیون فوتبال آسیا ارجاع داده می‌شود. همچنین دیدار تراکتور – موهون باگان در برنامه بازی‌های امروز درج شده اما است این مسابقه در حالت «تأیید نشده» قرار دارد.

النصر در زمین بی‌طرف با استقلال بازی می‌کند

تیم فوتبال النصر عربستان در هفته سوم دیدارهای لیگ نخبیگان آسیا اول آبان میهمان استقلال ایران است اما با امتناع از سفر به ایران خواهان انتقال بازی به یک زمین بی‌طرف شد. عبدالعزیز العصیمی، خبرنگار عربستانی، خبر داد که النصر با ارسال درخواستی به کنفدراسیون فوتبال آسیا خواهان برگزاری بازی با استقلال در زمین بی‌طرف شده است. النصر با برگزاری بازی برابر استقلال در تهران در شرایط کنونی مخالف است و به همین دلیل درخواست انتقال بازی به کشور دیگری به کنفدراسیون فوتبال آسیا ارسال کرده است. النصر که کریستیانو رونالدوی پرتغالی را در اختیار دارد، در دومین دیدارش در لیگ نخبیگان آسیا ۲ بر یک الریان قطر را شکست داد. طبق برنامه قرار است دیدار استقلال و النصر روز اول آبان بر گزار شود. این تیم باید با پرسپولیس هم در لیگ نخبیگان آسیا بازی کند و در آن بازی هم پرسپولیس میزبان خواهد بود.

مطردین و گناهکاران

نهمین قسمت از باورفی جدید ما، گذری از ۲۵۰ فیلم مورد علاقه‌ام و در یک شمارش معکوس، شاید انتخاب مثلا ۱۰۰ فیلم معقول‌تر بود اما هر کاری کردم فهرستم کمتر از ۲۵۰ فیلم نشد. آن دسته از فیلم‌های ایرانی هم که به نظرم جذاب می‌آمدند، در لابه‌لای این نام‌های بزرگ تاریخ سینما ارائه می‌شوند. بسیاری از فیلم‌های بزرگ تاریخ سینما در این فهرست هستند و بسیاری هم نیستند اما به نظرم همین غیر قابل پیش‌بینی بودن این فهرست می‌تواند از نقاط قوتش باشد! کم کم داریم به قسمت‌های خوب این شمارش معکوس نزدیک می‌شویم. این هفته در میان فیلم‌های معرفی شده کلی آثار مشهور تاریخ سینما قرار دارند.



۱۶۳- زندگی شیرین. فیلم تاثیر گذار و موج ساز فدریکو فلینی که ساختاری به ظاهر غیرمنسجم دارد اما به شکلی دقیق مهندسی شده است و در عین حال بسیار سرگرم کننده است. داستان صعود و سقوط اخلاقی یک خبرنگار صفحات هنری در معاشرت با دنیای شبنامه ستارگان و پشیمانی صبحگاهان. با دیواری جالب از مارچلو ماسترویانی و آنتیا اکبرگ. فیلم در ورای ژست اخلاقگرایانه خود، فرصت طلبی‌های خاص و رندانه‌ای هم دارد که ...بگذریم. این فیلم جایگاه فلینی را به عنوان یکی از غول‌های سینمای معاصر تثبیت کرد.

La dolce vita. 1960

۱۶۲- شمال از شمال‌غربی. فیلم پرماجرا و طنازانه آلفرد هیچکاک بر مبنای فیلمنامه ظریف و زیبایی ارنست لمان که حاوی برخی از بهترین دیالوگ‌ها و موقعیت‌های تاریخ سینماسست و مطمئنا بهترین بازی سینمایی کری گرانت را نیز در خود دارد. فیلم برخی اوقات از دایره منطق خارج می‌شود اما بسیاری به خاطر همین بازی‌گوشی‌های فیلم دلپسته آن هستند. این عقیده وجود دارد که توفیق شمال از شمال‌غربی موجب کلید خوردن فیلم‌های سینمایی جیمز باند شده است.

North by northwest. 1959

۱۶۱- در حال و هوای عشق. اثر پرتب و تاب و عاشقانه وونگ کاروای از یک رابطه عاشقانه ممنوع در هنگ کنگ دهه شصست میلادی. با استفاده‌ی شگفت‌انگیز از معماری نگک هنگ کنگ و یک موسیقی متن حلاا دیگر کالت شده و همین طور بازی‌های اثیری از خانم مگی چوئنگ و همراهی آقای تونی لئونگ. فیلم از محبوبیت بیش از اندازه‌ای برخوردار است و اتمسفر عجیب آن، موجب پنهان ماندن برخی از گاف‌های روایتی شده است. این فیلم در حال حاضر جزو شاهکارهای تاریخ سینما رده‌بندی شده است.

In the mood of love. 2000



۱۶۰- مادو. اثر متواضعانه و کمتر مطرح شده کلود سوته که با یک نوع سلیقه و ظرافت خاص ساخته شده است و مجموعه‌ای تو در تو از روابط و معما و آشنایی و هوس را در پاریس دهه هفتاد به نمایش می‌گذارد و به نظرم بهترین و زنده‌ترین فیلم کلود سوته است. بخصوص در فصل پایانی بی نظیر آن.

Mado. 1976

۱۵۹- خاطرات مستخدمه. داستان این فیلم بونول در ظاهر بسیار ساده است: زنی شیک و امروزی (ژن مورو در نقش سلسیتین) از پاریس به روستایی می‌رود تا مستخدمه یک خانواده عجیب و غریب شود. فیلم در اواسط ۱۹۳۰ اتفاق می‌افتد و مردم به دو دسته افراطی راست و چپ تقسیم شده‌اند. بر خورد او با ارباب خانه و گرایش‌های خاص او موجب می‌شود تا زن نیز وارد یک بازی زیرپوستی و ملایم شود. با یک ژن مووری درجه یک و با نوعی خودداری و وقار که مثلا در سه فیلم انتهایی دوره کار بونوئل کمتر دیده می‌شود.

Diary of a chambermaid. 1964

۱۵۸- بازگشت به آینده. اثر مفرح و حلاا دیگر کلاسیک ابرارت زمکیس از یک سوژه مشهور: سفر در تونل زمان. اما این بار فیلمنامه دقیق جذاب فیلم و شخصیت‌های درخشان و مضمون تاریخی آن (تلاش نسل جوان برای تصحیح اشتباهات پدران و مادرانشان) به فیلم جلوه‌ای کم نظیر بخشیده. فیلم در دسته آثار تجاری و پر فروش قرار می‌گیرد اما آنگذند از نشانه‌های دورانی است که هالیوود بلد بود فیلم‌های درجه یک سرگرم کننده بسازد.

Back to the future. 1985

۱۵۷- ماجرای نیمروز. وسترن کلاسیک و زیبایی فرد زینه مان که به نوعی به ترجمان دوران سیاه مک کارتی در عرصه سیاست آمریکا بدل شده است. دورانی که کسی جرئت مقابله با دار و دسته زورگو و قلدر سناتور مک کارتی را در عرصه سیاسی نداشته است. کلاستر ویل کین در روزی که قرار است با عروس جوان خود شهر را ترک کند با خیر بازگشت انتقامجویانه ۴ جنایتکار روبه‌رو می‌شود و همه شهر نه تنها به او کمک نمی‌کنند که از او می‌خواهند شهر را ترک کند تا در دسر ایجاد نشود. فیلم حماسی و پر حادثه و زیبا با بازی گری کوپر و گریس کلی. موسیقی دمیتری تیموکنین هم قابل فراموشی نیست.

Highnoon. 1952

۱۵۶- بی‌پرو خله. فیلم کلاسیک ژان لوک گدار و شاید مقبول‌ترین فیلم او. فیلم داستان فریادیناند (با بازی ژان پل بلمونودو) را می‌گوید که از زندگی آسوده در شهر خسته است.

او با ماریان (با بازی کارینا) پرستار بچه‌اش تصمیم به فرار می‌گیرند. این دو اندکی پس از فرارشان در ماجرابی رازگورنه و تبهکارانه گرفتار می‌آیند که برادر ماریان آن‌ها دست دارد...فیلم ادای دینی است به زوج‌های تبهکار در سینمای آمریکا. مثل دیوانه فنگنگ (۱۹۵۰) و آنها در شبب زندگی می‌کنند (۱۹۴۸) اما با همان سرخوشی و خلاقیت خاص ژان لوک گدار که اجازه نمی‌دهد فیلم در راه‌های مرسوم و شناخته شده حرکت کند.

Pierrot Le Fou. 1965

ماجرای خوردن انگور باغ

روایتی دست اول از مناسبات امنیتی و شخصی در دیدار با حسن نصرالله رهبر فقید حزب‌الله



داشت و بزرگانی از رهبران سیاسی جهان خود را سرباز او می‌دانستند و حتی مسیحیان لبنانی هم‌اورا تا حد پرستش دوست داشتند اکنون بسیار ساده و صمیمی در مقالین من ایستاده بود و دست دراز کرده بود و مراد را آشوف گرفت... ایشان خیلی راحت و روان به سوالات من جواب دادند. گفت‌وگو به زبان عربی بود و فقط در میان گفت‌وگو یک نفر آمد و خواست که محل جلسه را عوض کنیم. یعنی حتی در یک دیدار کمتر از یک ساعت هم برای مراعات مسایل امنیتی این قدر کارشان سخت بود و ایشان سی چهل سال این طوری زندگی کرد و خودش و خانواده‌اش این قدر در مشقت بودند. جالب اینجاست که وقتی قرار شد به محل دیگری در همان ساختمان برویم ایشان با تواضع و صمیمیت عجیبی شروع کرده به کمک کردن من برای جمع کردن وسایل و تا من دفتر و دوربین و کاغذو قلم خود را جمع کردم ضمیط صوت را برداشت و با هم راه افتادیم. بعد که ادامه گفت‌وگو انجام شدو من خواهش کردم که یکی دو خط یادگاری برای خوانندگان ایرانی بنویسند و ایشان با یک روان نویس توی دفترم چیزی نوشتند و بعد من خواهش کردم که همان روان نویس را به من یادگاری بدهند و محبت کردند آن را از ایشان گرفتم.

در آن دیدار خوشبختانه فرصتی برای یک گفت‌وگوی کوتاه و راحت پیش آمد چون ایام قبل از جنگ سی و سه روزه بود و هنوز شرایط حفاظتی ایشان هم خیلی سخت و غیر عادی نشده بود. من درباره چند موضوع از جمله حجاب زنان در لبنان و تلویزیون المنار و مسایلی مثل اینها سؤال کردم و ایشان پاسخ‌هایی داد که نشان دهنده نگاه راهبردی و آگاهانه شخص ایشان و کلا حزب‌الله بود. رویکردشان اصلا مثل دوستان مدعی حزب‌اللهی‌گری در ایران نبود و چنان که وقتی در ایران گروهی به اسم حزب‌الله درست شد و نشریه‌ای هم به این نام داشتند شنیدم که کادر رهبری حزب‌الله لبنان نسبت به سوءاستفاده از این نام و تندروی‌های این گروه در ایران منتقد و گله‌مند بودند و بالاخره هم فعالیت آن گروه و انتشار آن نشریه متوقف شد... ایشان در جواب خودش به محیط اجتماعی لبنان و یافت متفاوت و ساختار خاص آن اشاره کرد و یادم هست که همان زمان انتخابات مجلس لبنان هم انجام شده بود و مثال زد که بسیاری از خانم‌هایی که در آن رقابت به نامزدهای حزب‌الله و جریان مقاومت رأی داده بودند خانم‌های بی‌حجاب بوده‌اند و حتی غیر مسلمان و غیر شیعه. ایشان بحث اولویت‌ها را پیش کشید و گفت که ما شرایطی داریم که مقابله با دشمن مسئله ماست. در آن مرحله حزب‌الله توانسته بود پس از سال‌ها اسرائیل را با اقتدار از جنوب لبنان

ببیند و عاشقش نشود. بیرون براند و پیروز شود. می‌گفت اصلا مسئله ما حواشی و فرعیات نیست. فقط یک چریک قهرمان و مبارز جوان اهل میدان نبود. اهل فکر و فهم و مطالعه عمیق بود. یک ضرب‌المثل هم آنجا از ایشان یاد گرفتم. گفت ما در لبنان ضرب‌المثل داریم که می‌گوییم «ترید آن تآکل العنب و لا ترید آن نقل الناطور» ما می‌خواهیم انگور باغ را بخوریم و قصد کشتن باغبان و نگهبان باغ را نداریم! کنایه از این‌که ما تحقق هدف برایمان مهم است نه قصد برهم زدن جامعه را داریم و نه می‌خواهیم آشوب و درگیری و جنگ داشته باشیم و در واقع اقتناع مردم برای حفظ بدنه مقاومت مسئله اصلی ایشان بود.

حرف ایشان این بود که لبنان یک محیط اجتماعی متعدد و متنکثر است از طویاف و مذاهب و ادیان و حتی خود شیعیان یک جریان یک دست و یک شکل نیستند و بنابراین برای تحقق هدف مقاومت باید این تنوع و تکثر را در نظر گرفت و بر اساس اولویت چیزی که اصل کار است مورد توجه قرار داد و نمی‌شود مردم را هم به چیزی مجبور کرد. مصاحبه حاشیه‌ی خاصی نداشت. می‌دانید که ایشان بسیار بسیار باهوش بود و تمرکز و تسلط عجیبی داشت واصلا لازم نبود که مثلا ضابط را خاموش کند یا بگوید سوالی را نپرس. خیلی با تسلط به سوالات من پاسخ داد و یکی دوبار هم که نمی‌خواست وارد جزئیات شود خیلی با ظرافت از کنارش رد شد و باادب و احترام و محبت فوق‌العاده‌ای برخورد کرد. ایشان در ادبیات و ظرافت‌های گفتاری هم فوق‌العاده بود. اصولا آدم بسیار خوش سخن و خوش گفتاری بود. کلماتش را حساب شده می‌چید و بسیار زیبا سخن می‌گفت. اما مهمترین چیزی که در آن فضا به یادم مانده و هیچ وقت فراموش شدنی نیست تواضع و فروتنی استثنایی و غیر حیاه و بغض من «میهناته» است و یعنی واقعا پارادوکسی بود که در ریاضه من احساسش می‌کردم که هم ابهت و اقتدار یک شیر شرزه با نرمخوبی و شرم یک نوجوان محبوب در هم آمیخته بود. هم کاربزمای عجیبی داشت و هم بسیار مهربان و دوست داشتنی بود. این قدر طعوفت و رأفت در نگاه و رفتارش بود و این قدر زلال بود که محال بود کسی او را ببیند و عاشقش نشود.

غم میبون ستون فقرات و دیسک کمر م‌لونه کرده

«کلوخ‌انداز را پاداش

سنگ است...!»

فریدون تنکابنی طنز پرداز دهه پنجاه که به شکل عیانی سرسپرده حزب نوده بود هفته پیش در گذشت که ما خبرش را هم منعکس کردیم. متن زیر را از فیسیبوک محمود فرجامی طن‌نویس شهیدی مهاجر اخذ کرده‌ایم که بر خی نکته‌های جالب در آن مستتر است:

فریدون تنکابنی که امروز در گذشت آدمی بود بسیار دلنشین، نویسنده‌ای خوب و طنز نویسی پیشرو و کم‌نظیر. حتما درباره ویژگی‌های برجسته دیگرش دیگران خواهند گفت اما من قوت و بالودگی طنزش را از روی آثارش می‌گویم. همان کتاب «یادداشت‌های شهر شلوع» کافیسست تا بدانیم قدر آن نثر قوی و فکر روشن و طنز نیرومندش را در زمانه‌ای که یادداشت‌ها و داستان‌های کوتاه طنز اغلب یا فحش‌نامه بودند یا چیزهایی مثل داستاتک‌های کببی کاری از نوشته‌های عزیزنسن (و شاید رضا همراه، مترجمی که به گفته خودش خیلی چیزهایی که به اسم ترجمه از نسنن نشر می‌داد را خودش نوشته بود). به نظر من در دهه ۴۰ و ۵۰ تنکابنی و منوچهر صفا (غ. داوود) کم نظیر و شاید بی نظیر بودند در طنز سیاسی اجتماعی چند لایه و البته قالب‌های داستانی ادراماتیک قوی. حتی شاید بشود گفت چند دهه جلوتر از زمان خود بودند. البته من همه کارهای تنکابنی را نخوانده‌ام؛ ممکن است همه کارهایش به قوت «یادداشت‌ها...» نباشند. فهرستی از آنها هست که کسانی بخت‌یاب‌تر از من می‌توانند پیدا کنند و بخوانند. اما در میان فهرست کارها او که به مناسبت در گذشتش، آخر چند خبر آمده، من نام یک اثر مهم را ندیدم: «فانی و وودی»؛ کتابی بسیار خوشخوان و گیرا، کم‌شناخته و بسیار مهم. در این کتاب و در قالب خاطره-داستان‌هایی واقعی، تنکابنی با صداقتی کم نظیر بخش مهمی از وضعیت دردناک مهاجران، و به ویژه آواره-پناهندگان سیاسی را تصویر می‌کند. این کتاب هم از نظر ادبی و تکنیک‌های روایت، و هم از نظر تاریخ سیاسی (چپ) در دهه نخست پس از انقلاب به نظرم بسیار خوب و مهم است. اما متأسفانه این اثر چنان ناشناخته مانده که حتی در کتابشناسی تنکابنی هم گاه غایب است. البته به خاطر وضعیت اسف‌ناک چاپ و به ویژه پخش کتاب‌های فارسی در خارج از ایران خود من هم از وجود چنین اثر ارزشمندی بی‌خبر بودم و اگر از خود جناب تنکابنی هدیه نمی‌گرفتم در بی‌خبری می‌ماندم. فریدون تنکابنی را به همت آرش عزیز، هشت سال پیش در خانه سالمندان کندی زیارت کردم. با وجود مشکلات بدنی ناشی از سالمندی، شیرین و لوطی مسلک بود و چه اخلاق و چه چهره‌اش من را یاد منوچهر احترامی فقید می‌انداخت. سه نفری مفصل گپ زدیم. کتاب ناقلی را تقدیم کردم. رفت از توی کمدهش کتاب جلد سفیدی آورد، و بالایاش نوشت «کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است...» همین فانی و وودی بود که چنان عاشقش شدم که وقتی در راه فرودگاه توی اتوبوس جا گذاشتم آن قدر بی‌گرفتم تا دوسه‌تی رفت بیدایش کرد و برابرم پست کرد. بعدا پرس‌خاتم، دختر زنده‌یاد تنکابنی چند کتاب دیگر از ایشان را برابرم پست کرد که در آن بخت بدم برگشت خورد و حسرت خواندن چند اثر دیگر آن مرد بزرگ و شیرین و خوش‌قلم بر دلم ماند. چپ بود، و منتقد چپ هم بود، و وقتی از او درباره نگاه و موضع کنونی‌اش نسبت به حزب توده پرسیدم گفت با همه انتقاداتها و خطاها به از مان چپ پشت نکرد و نمی‌کند. جالب است که امشب از یکی از بزرگان جنبش چپ افغانستان شنیدم که دست کم دو اثر او در دهه پنجاه خورشیدی در افغانستان خواننده و محبوبیت داشته.

روزان



کلان‌که استراتژی یک تیم را شکل می‌دهد چه صحبت‌هایی می‌شود و چه دورنمایی به تصویر کشیده می‌شود. لطفاً به این سوال پاسخ دهید: «چرا در این تیم مدیر و سرمربی با هم کنار نمی‌آیند و مدام از طریق منابع رسانه‌ای دچار درگیری لفظی و کلامی هستند؟» از سوی دیگر پرسوه جذب سرمربی جدید خارجی هم برای خود داستانی در سطح هزارستان است که هر روز نفر جدیدی علم می‌شود و روی اعصاب کارکنانی می‌شود. جالب این‌که اسم‌ها‌روی کاغذ ردیف می‌شوند، چند روزی روی آن در فضای مجازی مانور می‌شود، چند نوبت سفر هم به کشورهای همسایه جنوبی صورت می‌گیرد، بعد بیابیه‌ها و تکذیبیه‌ها منتشر شده و در نهایت همه با یک انتخاب سورپرایز می‌شوند. این داستان در برخی فصل‌ها کمی گمیک هم نوشته می‌شود، جایی که سرمربی بدرفتار همیشه ناکام اعلام‌امادگی می‌کند تا به این تیم برگردد. می‌دانید علت

کدام آغاز، پایانِ این اختلاف درونی است!؟

میان‌ه‌های نیم‌فصل‌ناکارآمد بوده، اما هر روز همان دیروزی اجرا می‌شود تا ناکامی به دنبال آورد. معلوم نیست این سردرگمی تاکنجی‌چه سرمنشایی دارد که اینطور بر اجرای آن اصرار می‌شود. وجود مدافعی میانی بر تعداد ده «سرعَت پایین» و ویژگی جمعی آنهاست، بعلاوه ضعف در بازیسازی، پاس اشتباه، لو دادن مداوم توپ، اشتباهات فردی، عدم بازیابی روی توپ دوم و در نهایت ناتوانی عمیق در گلزنی و جنبش در پاس‌کردن. نتیجه‌ای به مراتب بدتر از باخت ۲-۳ صفر در میادین آسیایی به دنبال دارد که در ادامه این مسیر و بسته به قدرت حرفی می‌تواند این رقم را درشت‌تر از قبل کند. بازی السد واقعاً تاسف‌بار بود؛ هیچ آمده بودند، که فقط بازی‌زنند و پروند. هیچ توضیحی نمی‌تواند این‌نمایش ضعیف را نزد هواداران توجیه کند. فقط باید گفت: «براستی چگونه می‌توان اینقدر اعصاب داشت که ۹۰ دقیقه بازی توهین‌آمیز را تحمل کرد، تاسف‌خورده و در هزارتوی ذهنی خود فرو رفت!» واقعاً این قدر از کجا آمده که هرطوری شده باید این نوع فوتبال را دید، حرص و جوش خورد، ناسزا گفت، دچار کابوس و بی‌خوابی شد و در نهایت سسر پایین انداخت و صبح روز بعد خیلی شیک سر کار رفت؛ گویی اصلاً اتفاقی نیفتاده تا نوبت به گری دوستان طرفدار تیم رقیب برسد و در چشم بهم‌زدنی همه خطرات بد‌نمایش تیمی روی سسر هوادار

آز تین ابراهیمی | این اشتباهی

استراتژیک است که در بحران داخلی، به فرمانده رده پایین اعتماد کرده و طوری رفتار کنید که گو یا هیچ اتفاقی نیفتاده است. بزرگ‌ترین سیستم‌های دیوانسالاری جهانی هم با بروز اختلافات درونی دچار فروپاشی می‌شوند؛ چه رسد به فوتبال که حتی کوچک‌ترین عضو یک تیم هم می‌تواند باعث این دگرگونی شود. شما وقتی به نتیجه رسیده‌ای که کار کرد یکی از عناصر درون سیستم به پایان رسیده، برگزاری جلسه فرمایشی برای ادامه کار نمایشی او، همانی می‌شود که از قبل هم قابل پیش‌بینی بود. ناکامی تیم، حداقل نتیجه این رفتار سیستمی نادرست است که می‌تواند در ابعاد مختلف اجتماع طر فسادری هم گسترش پیدا کند. مدیریت باید قاطع باشد و وقتی به یک نتیجه قطعی رسید، با قدرت آن را به اجرا گذارد. این فقط به مدیریت باشگاهی برنمی‌گردد؛ بلکه مدیر فنی تیم که در فوتبال ایران همان سرمربی است هم باید این امر را به مرحله عمل در آورد. آقا! اگر دروازه‌بان شما خوب نیست یا روحیه ندارد یا به او اعتماد نداری، استفاده از نفر بعدی محتمل و ضروری است؛ البته اگر دروازه‌بان دوم شما که دست بر قضا ملی‌پوش رده‌های سنی هم بوده، این‌گونه دو سال روی تیمکت میخ نشده باشد تا امکان حضور در میدان، آن هم یک آورد‌گاه آسیایی را داشته باشد. مورد بعدی از رنج تیم است که از ابتدا تا

سوره هفته کلنجار با آشپزی

غذای رادیکال شوفر تریلی

۱ روزی از روزهای اواخر دهه ۵۰ که هنوز سبیل‌های

۱۹ سالگی‌ام کامل درنیامده بود و مرا از تبریز، قل دادند به سمت تهران، وقتی آنجا در خیابان پیروزی کرایه کردم و چند روز بعد یک گاز پیک‌نیکي کوچک و ماهیتابه فسقلی از سمساری‌های خیابون شهرستانی خریدم که معلوم نبود مال کدام خدایبازمز بینواست به این فکر افتادم که اصلا نيمرو را چگونه می‌پزند؟ آیا مرغه خودش می‌آید تخمش را تفت می‌دهد یا من باید بشکنمش؟ آنقدر پیاده بودم که مهرس. هنوز نه اینترنتی در کار بود و نه کتاب رزا منتظمی که ببینم کته را چگونه می‌پزند. آیا برنجکار خودش از شمال می‌آید می‌پزد یا تو خودت باید همین طوری خشک‌خشک بریزی در قابلمه و درش را بببندی و در خودت را هم ببندی و یک گوشه‌ای بشیینی تا حاضر شود. کلا چهار هزار و هشتصد تومان حقوق بپانهم بود که ۴ تومانش می‌رفت واسه اجاره «دو اتاق و یک آشپزخانه و یک مستراح» ته حیاط آن خانه سبزی و باید با ۸۰۰ تا تک تومان، هم پول سیگار می‌دادم، هم تاکسی، هم غذا. در چنین وضعی بود که غذای «شوفر تریلی‌ها» را کشف و به مرحله بهره‌برداری رساندم. همچنان که ستار قره‌دغی‌ن‌عین راحت‌الحلقوم زیر دندان‌های قبله‌عالم آب شود و اگر او به کمک نایب‌خان، اولین چلو‌کبابی کشور را در بازار تهران راه نمی‌انداخت شاید کار من هم به اینجا نمی‌رسید که غذای «شوفر تریلی‌ها» را کشف و اقتباس کنم

احد بابایی منیر

«تراپی» باديگ و کاسه و ادويه‌ها!

۱ درباره نسل‌های ديگر نظر نمی‌دهم ولی ما «دهه‌چله‌ها» آشپزی را از همان شش، هفت سالگی شروع کردیم؛ یادش بخیر، طعم سبب زمینی‌های پخته شده در آتش برافروخته روزهای کودکی مگر یادمان می‌رود؟!

حالا اگر فصل زمستان بود که ديگر چه بهتر! خاکسترها را که زیر و رو می‌کردی از آن لابه‌لاهانگار به آدم چسب می‌زدند، آن روزها حتی سبب‌زمینی‌ها نیز دلبری می‌کردند! پوست سیاه شدند و سوخته سبب زمینی مزه بهشت می‌داد انگار! در جمع رفاقت‌های ساده و بی‌ششيله پيله، چه باک از برف و سرما و یخبندان؟! باخنده‌های زلال از ته دل، نمک زده و نزده سبب زمینی‌های کبـاب شده را به نیش می‌کشیدیم!

هم دست‌های معصوم کرخت از سرما گرم می‌شد، هم دل ما. حالا اگر توانستی در لاکچری‌ترین رستوران‌ها! غذایی را پیدا کنی که بتواند دلست را گرم کند، من هر چه که بگویم می‌پذیرم.

داستان غذا آخر، تنها به سير کردن که نباید ختم شود!

۲ آن سال‌ها، اینقدر که حالا مد شده از: «اشطراب دارم» و «دپرس شده‌ام» و… خبری نبود! گاهی اوقات می‌گفتم: دلم گرفته یا مثل اینکه در آن رخت می‌شویند، اصلا کسی به آن صورت «اعصاب» را نمی‌شناخت چه برسد به

حمید رستمی

از جام طرب تا عمله طبخ!

۱ تا دوران خوابگاه دانشجویی دست به سیاه و سفید مطبخ زرده بودیم و نهایتاً می‌توانستیم که دو تا تخم مرغ را در روغن بزبیم و در شاهانه‌ترین حالت یک قاشق رب گوجه فرنگی هم به آن اضافه کنیم و با نان بربری نوش جان فرماییم ولی در دوران دانشجویی به‌رغم وجود غذاهای سلف سرویس گاه چنان ملول می‌شديم که حاملمان از شوقه‌اندوه سدر و کافور و لیوآمادی در غذاها به هم می‌خورد تا جایی که همان تخم مرغ را ترجیح می‌دادیم و حالا یاد گرفته بودیم که کمی هم سبب زمینی سرخ شده بزبیم تنگش تا از یکنواختی کامل در بیاید. اما قصه اشپز شدنم در ۲۷ سالگی کلید خورد که به جبر زمانه در شهری غریب شافل شامید و دیگر خبری از اینگوشه مامان بز و برنج فرد انبوه و وسیع اقتصادی هم اجازه نمی‌داد که هر روز دو بار در رستوران حاضر شوی و شیشلیک محلی را نوش جان کنی! این چنین بود که آرام آرام مجبور به بالا زدن آستین و بستن قمط سلیم تا بعد از سال‌ها از زیر سایه مادر که هم همیت سدیدم تا بعد از سال‌ها از زیر سایه مادر که فقط طبق شیوه‌های خودش غذا می‌پخت و زمین و زمان هم نمی‌توانست کوچکترین تأثیری در کم و زیاد کردن مواد اولیه‌اش بگذارد در بیابسیم و برای خودمان هرچه بود و هیچ وقت فکـرش را هم نمی‌کردیم که همین

۲ در اولین فرصت به بازار رفته و مرغی پرکنده اینتایع کردیم و آسانترین غذا را همان خوراک مرغ یاقیم و آنقدر بخت یارمان بود که زمانه عوض شده بود و مثل قدیم سـر بریدن مرغ و کندن پرها و پوستش به عهده خودمان نبود و فقط یک مرغ درسته و کامل را با خود به خانه مردی آوردیم و با چاقو به جانش افتادیم برای قسمت کردن! یک معمای لاینحل جلوی رویمان قرار داشت که زودش در هیچ کلاسی تدریس نشده بود و هیچ وقت فکـرش را هم نمی‌کردیم که همین

و هفته‌ای شش شب آن را بپزم.

۲ نه پولی برای خرید ساندویچ می‌ماند و نه اسکنی برای خرید چلو و جوجه و بقیه خوراکی‌ها. گاهی عمه پیرم یک کاسه «آش گوجه‌فرنگی» تبریزی برایم می‌فرستاد که بیاتش هم طعم بهشت می‌داد و با نان می‌خوردمش. نوبت نهار را هم که طبق معمول، غذاهای فاجعه‌آمیز اما رایگان کیهان را چشم‌بسته می‌خوردم که از گرسنگی نجات پیدا کنیم. روی قورمه‌سبزی‌هایش ۱۸ لیتر آب شیر روانه می‌کردند و گوشت یخی‌اش طعم گوشت مردگان این‌بابویه را می‌داد. وقتی مجبور شدم پنج روز از هفت روز هفته را نیمرو یا املت بخورم به فکر افتادم که یختن غذایی را امتحان کنم که از آنهمه تکرار تکرر در بربایم، مخصوصا از این بابت که حالا ديگر خانه‌ام تبدیل به پاتوق هم شده بود و هر کس از تبریز می‌آمد سری هم به خانه سبز پیروزی می‌زد که پول مسافر خانه ندهد. و من هی باید از اداره، مساعده می‌گرفتم. نه تنها مسافرهای آذربایجان بلکه همکارهای روزنامه هم همیشه آنجا ول بودند و دائم شکم‌شان از گرسنگی طبیعتا قورقور می‌کرد.

۳ وقتی مظفرالدین شاه هفته‌ای یکبار چلو‌کباب‌های لذیذ ستار را خورد و پشتبندش آروغ ششانه زد و طعم آن دست‌یخت‌ها تا ابد زیر دندانش ماند، چه می‌دانست که به زودی دوران قحطی فرا می‌رسد و خزانه خالی می‌شود و مظفر نمی‌تواند حقوق ستسار و الباقی خدمتکاران را بدهد و مجبور می‌شود که از دربار بیرون‌شان کند. ستار اما اهل ناامیدی نبود، چنانچه بسیار زود به کمک نایب‌خان اولین چلو‌کبابی را در بازار تهران راه انداختند. آن روزها در رستوران‌ها نه قاشق و چنگالی بود و نه مردم پشت میز می‌نشستند. آنها اگر هم روی زمین ولو نمی‌شدند، روی سکوها می‌نشستند و

چلو کباب عطر آگیني را که روی ظروف برنجی سرو می‌شد با ولع تمام و بادست‌های چرب و چیل می‌لمباندند. هنوز به نیف استرو-گانف‌ها و بیفتک‌های خاچیک در کافه نادری به بازار آمده بود و نه این تفکر عوض شده بود که مردم عامی می‌گفتند «غذا خوردن به سبک چرخ‌کرده‌گوسفند می‌خریدم و با پیاز و چلو‌کباب‌های مشترک نایب و ستار، به تا‌گی در سراسر تهران تر کیده بود که میرزاعلی‌خان –مهاجر قفقاز– در میدان ارک، دومین چلو‌کبابی را افتتاح کرد. اگر ستار و نایب به فکر جذب طبقات متوسط و پایین جامعه بودند میرزا به فکر افتاد که طبقه کارمندان و تحصیلکردگان و خارجیان و الیت را به سمت غذاخوری‌اش جلب کند و مثل فرنگی‌ها در رستوران خود میز و صندلی بچیند و روی بشقاب چینی‌شان قاشق و چنگال مرتب بگذارد. و چنین شد که در پلک‌زدنی، رستوران او نیز غلغله شد.

۴ یکبار وقتی با رفیقم که شوفر تریلی بود به تهران آمدم (هر پنجشنبه برای دیدن مادرم به تبریز می‌رفتم و هر جمعه‌شب هم برمی‌گشتم که شنبه صبح سر کارم باشم.) مش‌عیمران، تریلی‌اش را حوالی قیز کوروپوسی (پل دختر) میانه نگه داشت و پریموسش را از زیر صندلی آورد بیرون. دیدم پیازها را خرد کرد و انداخت روی ماهیتابه کبره‌سته و تفت داد. بعد دویست گرم گوشت چرخ‌کرده ریخت رویش، بعد سبب‌زمینی را به اندازه بندانگشتی برید و ریخت تو تابه و دو تا گوجه‌فرنگی هم حلقه‌حلقه کرد و ریخت تویش. بعد در پوش گذاشت که غذایش در بخار خودش بپزد. و برای من این خوشمزه‌ترین غذای جهان بود که در عمرم خوردم. (همچنان که بدترین غذای عمرم، خوراک مغزی یک‌په‌میمون نفیس بود که چهل سال پیش در رستوران معروف شهر پکن و سر میز ما و به افتخار آقایی ما، گارسون با شمشیر کلاه‌اش را همانجا زد و مغزش را قلفتی و تازه و پرخون، سریع انداخت

مهدی انجمنی

خورشت‌های مامان‌پز

گوناگون داشتند. آدم را یاد بچه‌های قد و نیم‌قد تنی و ناتنی «شازده‌های قجری» می‌انداختند! می‌دانم گرمی ولی در تمام مدتی که کوکوهاي «خودم پز!» را می‌خوردم این بیت در سرم می‌چرخید:

میان‌ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است!

۱ همیشه غذاهای تند – در واقع بسیار تند! – را دوست داشتم و دارم. لقمه‌ای که می‌خوری، اگر ده‌هان و زبان را به گزگز نیندازد و خودت را به جلز و ولز، اشکت را درنیورد و دچار آن حسّات نکند که تنها و تنها تجربه کردنی است و نه گفتنی، از دید من لقمه نیست! «خود آزاری» هست آیا، شاید ناشید هم در یک زمان دیگر در یک زندگی دیگر در کلکته، بمبئی، اگر! یا دهلی زیسته‌ام، کسی چه می‌داند!

املت‌هایی که می‌پزم – تعریف از خود نباشد – حرف ندارند اگر چه در دوران دانشجویی هر کدام از بچه‌ها یک لقمه کوچک که می‌خوردند

عقب عقب از سفره فاصله می‌گرفتند و چپ چپ نگاه می‌کردند! «انیولوی!» این رفتارشان بر می‌گشت به «عدم درک تفاهم عمیق و ریشه دار من و لفلل تند!» احتمالا!

۵ این روزها، به برکت گوگل دیگر آشپز بودن و آشپزی کردن یک رویا نیست. یکبار در خانه تنها بودم و هوس کوکو سبب‌زمینی دلم را شخم می‌زد! نت را روشن کرده و طبق دستتور العمل عالیجناب گوگل، خالتی کوکو سبب‌زمینی شدم!

حاصل کار بدنبود، البته کوکوها هم اندازه نبودند! کوچک و بزرگ و اندازه‌ها و شکل‌های

توی ماهیتابه پر از روغن سوزان، و جلز ولز مغزه بلند شد و میمون آخرین آهش در گلویش ماند و من غمگ گرفت و دویدم (دستشویی). حالا دیگر غذای س ساده و آسان‌پز مش‌عیمران را یاد گرفته بودم. چون یخچالی هم در منزل نداشتم، همیشه دویست گرم چرخ‌کرده‌گوسفند می‌خریدم و با پیاز و سبب‌زمینی و گوجه و لفلل، هم‌زمان روی ماهیتابه می‌ریختم و بچه‌ها انگشتان‌شان را می‌لیسیدند. از آنجا بود که اسمش ماند غذای «شوفر تریلی». هنوز رفقایبی که به خارج مهاجرت کرده‌اند وقتی زنگ می‌زنند می‌گویند «هنوز یک آرزو در دلم مانده‌است که بیام تهران و باز برام از اون غذای شوفر تریلی درست کنی.»

۵ وقتی غذای «شوفر تریلی» رو یاد گرفتم چندبار برنج یختم و شفته کردم و دور ریختم. چند بار آبگوشت یختم و به لعنت سگ نازبازد و ریختم تو جوب (بخشید جوی شما). چند بار طاس کباب خراب کردم. چند بار آش اوماج و چندبار چغر تمه و همه‌شان خراب شد. داستان طوری پیش رفت که بعد از تقریبا یکسال تبدیل شدم به آشپزی که با آزان‌ترین مواد، غذاهای خلاقانه می‌پخت و همه بینواهای مهمان، انگشت‌هایشان را می‌لیسیدند. بدبختی اصلی اما این بود که این جماعت گششنه و «کره‌لازم» خدایی، غذا را پیش از آنکه روی سفره بیاروم همانجا روی گاز باخنت می‌زدند و وقتی سفره پهن می‌کردیم یک ماهیتابه خالی می‌ماند که همگی باید باهم و در یک مبارزه پهلوانانه لیسیش می‌زدیم و سیر می‌شدیم. مدتی بعد البته این داستان به پایان رسید و وقتی با یک دختر تبریزی از دواج کردم حالا نوبت مهمانان خانوادگی بود که از دست‌یخت بهترین آشپز زن دنیا لذت ببرند و هیچکس از من تقاضای «شوفر تریلی» نکند. فید شدم و رفتم توی فراموشخانه زپرتی دنیای دون.

۶ دیگر سه مرور به پای هم پیر شدیم و زمانی رسید

که برای پختن غذای لذیذ، نه حوصله داشتمیم و نه حافظه. مواد را می‌انداختم توی قابلمه و می‌رفتم دنبال زندگی. و غذا خودش باید می‌پخت و «پُرو گری» نمی‌کرد. یک روز همسرم وقتی ماکارانی را سوزاند عصبانی شدم که «چرا کنار گاز نمی‌ایستی تا مواظبش باشی؟» با عصبانیت گفتم که «بیا خودت درست کن حالا که زبانت دراز است.» من هم با روحیه‌ای پولادین و جهت روکم کنی ایشان، قابلمه آش را از یخچال درآوردم و یک پارچ آب ریختم رویش و گذاشتم روی گاز و ایستادم بالاسرش. یک لحظه نمی‌دانم سوره کدام قصه اثیری بر من هجوم آورد که رفتم دنبال نوشتنش و غذا پاک از یادم رفت. دقایقی بعد دیدم زنم فریاد می‌زند «این بوی سوختگی از کجاست؟» گفتم «هن خبر ندارم. شاید همسایه است.» کمی بعد خانه پر‌دود شد و من همچنان مشغول نوشتن بودم. گفتم «اینهمه دود از کجاست؟» گفتم «شاید سیگارم فیلترش سوخته و این بول بلند شده.» کمی بعد همسایه رویه‌رویی در زد که «ببخشید از خانه‌تان بوی شدید سوختگی می‌آید نگران ماندم.» گفتم «خدا ببخشد ولی از خانه نمانست. بروید از همسایه زیری بپرسید.» که در همین هنگامه، یکهو زنم دويد سمت آشپزخانه و قابلمه آلوگرفته را دید که عین چی‌ته گرفته‌است. من خنده‌ام گرفته بودم از اینکه چرا سرگرفت زدم بیش که ماکارانی را سوزانده‌است و آفریاد می‌زد که «تا حالا تو دنیا دیدی کسی، آش را با یک پارچ آب اضافه، بسوزاند و ته‌دیگ درست کند؟»

۷ اگر به خانه ما می‌آید سفت و سخت بپایید که هر روز غذای ما سوخته و ته‌گرفته‌است. فقط یک اسکاچ و سیم خوب هم با خودتان بیاورید که سیاهی ته قابلمه را به مدت یک هفته قشنگ بسابید که هم قابلمه آلومینیومی از آبله‌گونی صورتش تمیز شود و هم زور بازوی شما زیاد. ان‌شاه‌الله خود زار بوزی شما را همیشه زیاد کند. آمین.

مهدی انجمنی

خورشت‌های مامان‌پز

مرغ بخوری. خیلی هم با سرعت با قابلمه‌های آلومینیومی جامانده از مستحراجی پیشتشین این کار را می‌کرد. توی کاسه‌های کریستال غذا را سـرو می‌کرد و لیوان‌های بلندی داشت که از اکیکا خریدم بود. توی آن سوپیت زیبا شب‌ها چشمم به ماه بود و غذاهای مجتبی‌آبی خانه خودم اولین بار که آبگوشت درست کردم یک هفته از کرنا بلندی داشت بود. تمام آن یک هفته در تب سوخته بودم. به سختی خودم را کشیدم بیرون و رفتم چند سیر گوشت خریدم و با نخود لوبیا قاطی کردم و کف گوشت را گرفتم و تا ساعات ۴ بعدازظهر گذاشتم بپزد. خوشمزه‌ترین آبگوشتی بود که پخته و خورده بودم. تا چند روز غذا داشتم. حالا رها ما را از رفتن و خوردن پنه‌الغردوی بی‌نیاز کرده‌است چرا که در این غذا تخصص دارد و از طرفی ابراهیم و آشپزخانه تدین در ۱۲ فروردین هست که قیمه و قورمه‌های مجلسی و هیات پسندن می‌پزد و زبان ما را طعم‌دار می‌کند. من به همان فرمول همیشه معتقدم که غذا را باید عشق پخت و عشق یعنی اینکه عمر پای اجاق گذاشت و اینس معجزه مامان‌هاست!

رضا فرحانی

از قرمه سبزی بگو

تا لذت غذا خوردن دو چندان شود و این موضوع بارها و بارها تکرار شد ولی هیچ وقت تکراری نشد.

حالا که از آن خانه قدیمی خبری نیست و یک ساختمان نوساز با قیافه شهری یازگیزکنش شده، مادر بزرگ و پدر بزرگ هر دو سفر کرده‌اند و از جای خالی‌شان در خانه پس می‌شود و باید از گذشته گفت، از قرمه سبزی‌های ظهر جمعه خانه مادر بزرگ که مشابه‌اش را هیچ وقت دیگر جای جهان نخوردیم. اصلا می‌شود مطمئن بود به تعداد تمام مادر بزرگ‌های جهان طعم قرمه سبزی روز جمعه وجود دارد و می‌شود عطر و طعم آن را جایگزین اثر انگشت برای شناسایی‌شان قرار داد آن قدر که هر کدام خاص و یونیک و بی‌تکرار هستند. بزرگترین سکوی مقام اول مسابقات آشپزی هم می‌رسد به تمام مادر بزرگ‌هایی که هیچ نوه‌ای حاضر نیست اندکی در مورد کیفیت غذاهایی کوتاه بیاید و بپذیرد یک نفر بهتر و یک طعم بهتر از آن در جهان وجود دارد.

برای که سال‌های کودکی را با سفر یک نیم‌روزه آخر هر هفته به روستای پدری گذران‌دسیم و بارها و بارها نشستن پای این سفره را تجربه کردیم باز هم موضوع تکراری نشده بود و هر هفته با همان اشتیاق قبلی غذا را تا آخرین دانه برنج و آخرین لوبیای درون خورشت می‌خوردیم و عطر سبزی‌های درون آن را با آخرین بوهای کرب که در دستم لاشک‌هاش پیدا شده بود و روح نواز همانقدر و البته کنارش پیاز را هم اضافه می‌کردیم

خوشمزه …